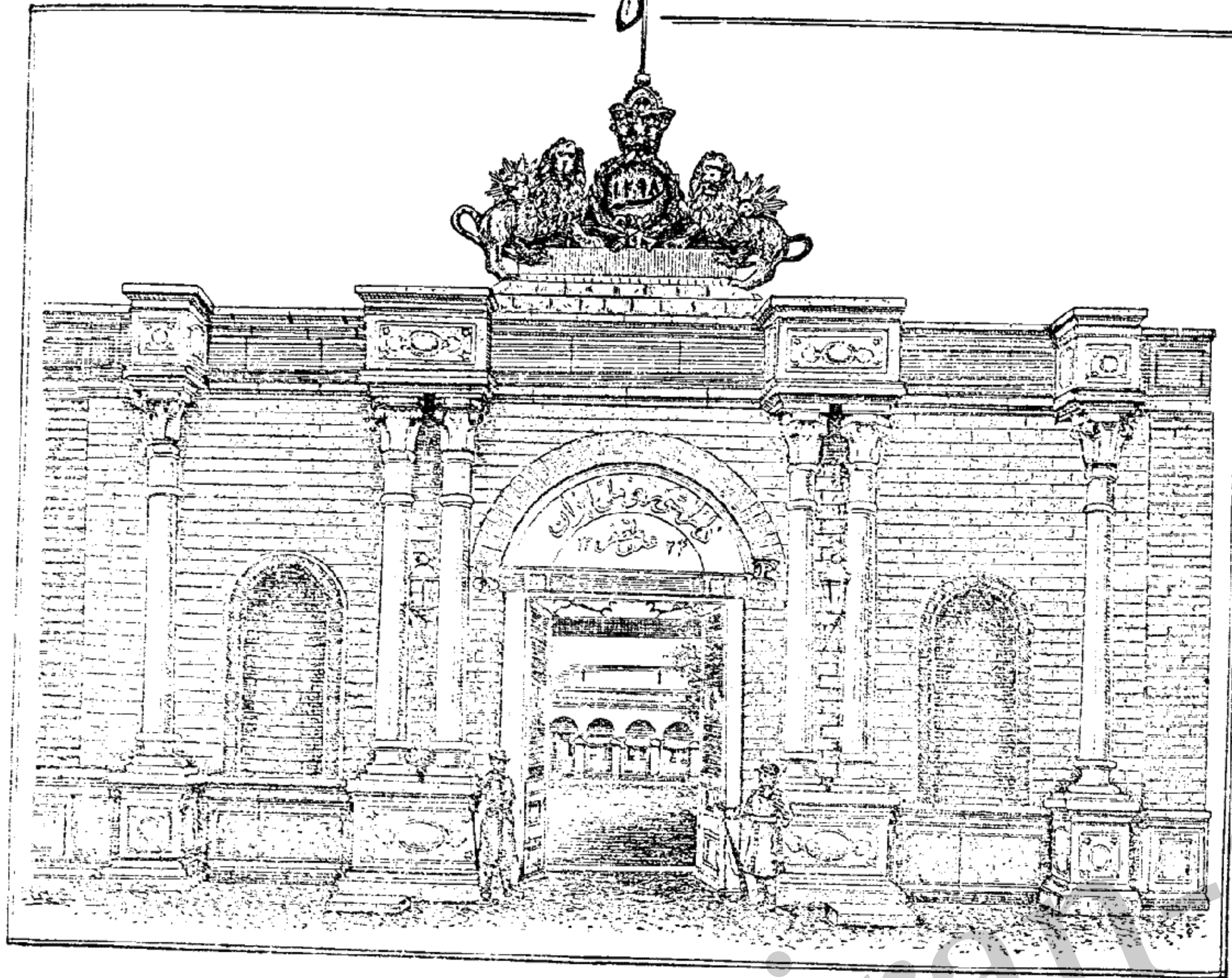


<p>جلسه ۷۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره چهل و چهارم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یله دوشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ رمضان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت خبر شعبه دوم راجع بانخابات زنجیان و نمایندگی آقای میرزا سید علی اکبر آبه الله زاده اصفهانی و مخالفت آقای نجومی	۸۸۴	



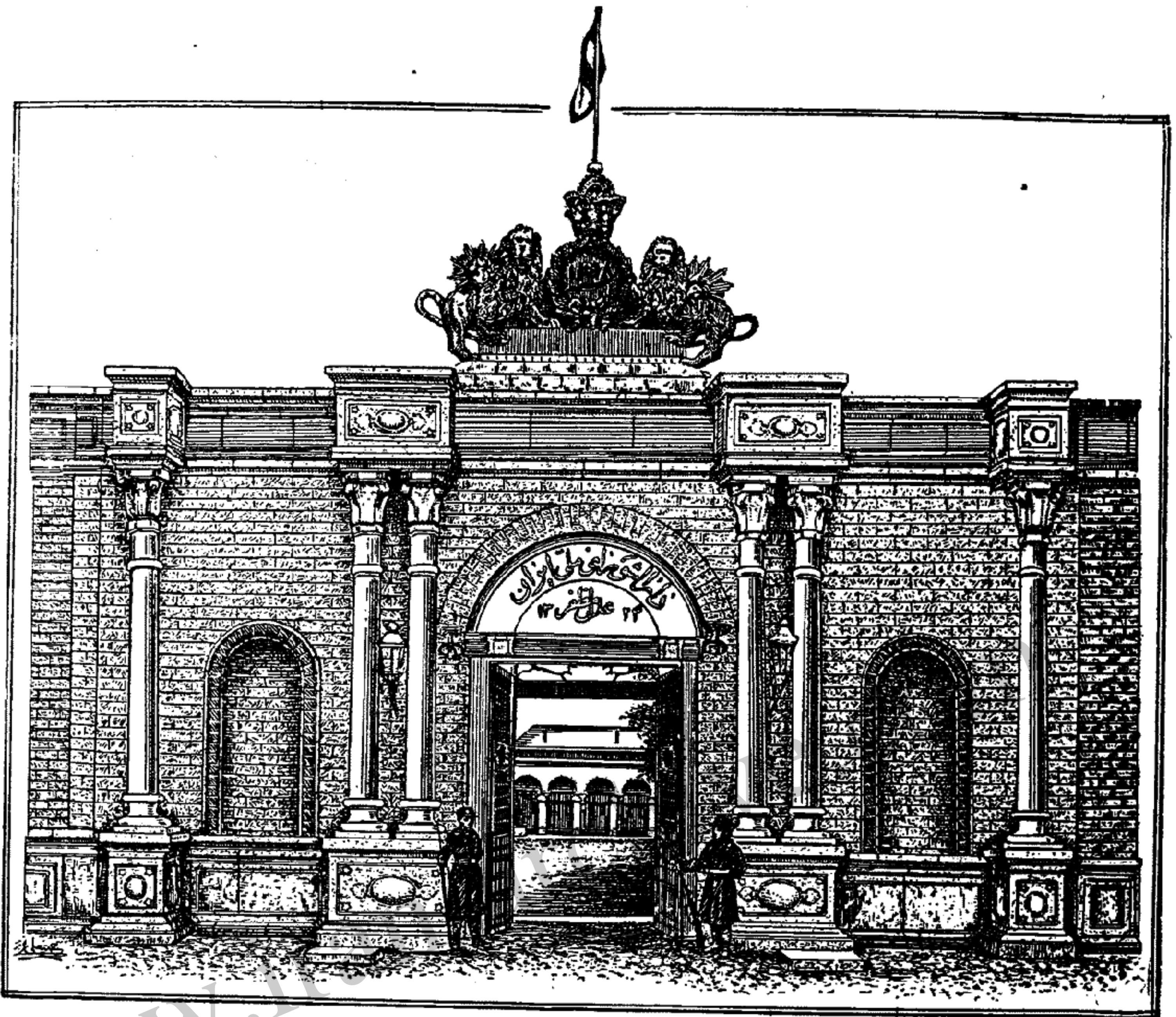
مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله در شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ رمضان ۱۳۴۵

جلسه ۷۸

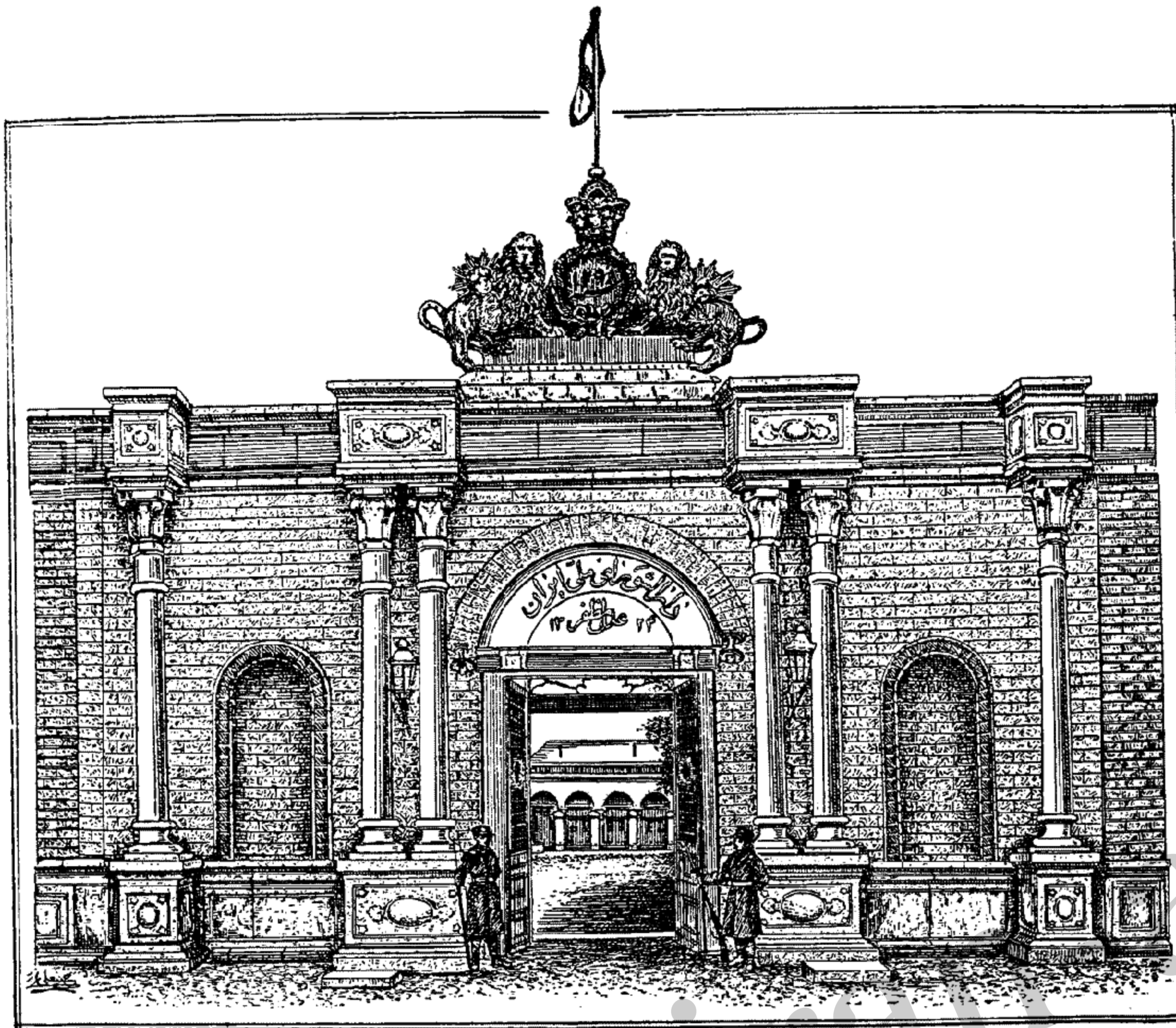
(مجلس چهار ساعت از شب گذشته بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله بکشنبه بیست و هشتم اسفند ماه را آقای امیر تیمور قرائت نمودند)

افسر - در قسمت پیشنهاد آقای دکتر سنگ آقای ارباب کیخسرو يك عبارتی فرمودند که بنظر بنده لازم بود اینجا نوشته شود. یعنی گفتند از حدود صلاحیت مجلس خارج است بجهت اینکه مربوط باشخص



<p>جلسه ۷۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره چهل و پنجم</p>
<p>تاریخ تاسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یله شنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لیلہ شنبہ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۴۵

جلسه ۷۹

(مجلس سه ساعت از شب گذشته بریاست آقای
 رئیس -- اسم آقای عراقی که جزء غائبین نوشته شده
 پیرنیا تشکیل گردید .)
 (صورت مجلس لیلہ دوشنبہ ۲۹ اسفند را آقای
 نگهبان قرائت نمودند .)
 اشتباه شده است اجازه نامه شان امشب به کمیسیون فرستاده
 شد تکلیفش بعد معلوم می شود . آقای دادگر

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بخرگرمیسیون معارف راجع به تعلیمات عمومی (ماده هشتم - الخ)	۸۷۷	۸۹۲
۲	تصویب نمایندگی آقای آقا سید علی اکبر آیه الله زاده اصفهانی از خدمت	۸۹۲	
۳	مذاکره نسبت بخرگرمیسیون بودجه راجع به اعتبارات مالی سنه ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶		
	وزارت عدلیه (ماده اول)	۸۹۲	۹۰۸

دادگر - عرض کنم که در آن شب معهود بنده هم مریض بودم و هم مریض داشتم با تلفون هم عرض کردم ولی در عین حال به آقای وزیر علوم هم عرض کردم که اگر فقط نیامدن بنده عده مجلس را بحد نصاب نمیرساند بنده صرف نظر کنم و بیایم و بعد اطلاع دادند که مجلس هم تشکیل شده است و بنده هم عازم شدم دو مرتبه تلفون کردند که نه نفر دیگر کسر است و آمدن شما تأثیری ندارد ضمناً حضور مبارک هم عرض کردم و استیضاه هم کردم .

رئیس - به کمیسیون مراجعه و اصلاح میشود .

رئیس - آقای میرزا عبدالله خان وثوق .

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده هم کتباً از مقام ریاست اجازه مرخصی استدعا کرده بودم .

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود بعد اصلاح خواهد شد . آقای حیدری

علیخان (حیدری) - بنده هم تحصیل اجازه کرده بودم رئیس - این هم مثل دیگران . صورت مجلس دیگر

اعتراضی ندارد ؟ آقای شیروانی

شیروانی - صورت جلسه اسبق قرائت شده است ولی تصویب نشده است تکلیفش باید معلوم شود .

رئیس - عجله این یکی تصویب میشود تا آن یکی را بیاورند . صورت مجلس دیگر آزادی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - دستور اولاً خبر کمیسیون بودجه را جمع بعدیه است بعد هم لایحه تعلیمات عمومی . ولی آقای فهیمی و آقای افسر پیشنهاد کرده اند که لایحه تعلیمات عمومی مقدم باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - تصویب شد رأی گرفته می شود به ماده پنج به ضمیمه تبصره آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده هشتم مطرح است .

یک نفر از نمایندگان - ماده هفتم

رئیس - ماده هفتم در ضمن ماده اول تأمین شده است .

(ماده هشتم بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعلمت ابتدائی (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی) تأسیس خواهد نمود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم که در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمت دائر شود و اشخاص را تربیت بکنند برای معملی لیکن کی ؟ و چه وقت ؟ و از چه پولی ؟ از این وجوه تا قبل اختصاصی که ما برای تربیت اطفال مردمان زحمت کش و دهاقین تهیه کرده ایم ؟ با این وجه در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمت تأسیس شود ؟ بنده مخالفم .

از چند جهت . اولاً مدرسه سه کلاسه که ما در دهات میخواهیم تأسیس کنیم بعقیده بنده هیچ احتیاج ندارد که از دارالمعلمین و دارالمعلمت معلم و معالسه برایش تهیه کنیم ، ما میل داریم که این دهاتی ها که خوششان پاک ، فکشان پاک ، هواشان پاک ، احساساتشان ن آرایش ، با همین آرایش با همین حسن خلقی که دارند سواد فارسی را بآنها تعلیم کنند که فارسی بخوانند و بنویسند . شرعیات را بآنها نشان بدهند و برای این مقصود در جمیع قراء به عقیده بنده اشخاصی هستند که بخوبی میتوانند این مسئله را انجام بدهند ، یعنی معلم

وجود دارد ، همان آخوند هائی که نحو و صرف و منطق و شرعیات و لغت میدانند - هر آخوندی که در هر دهی رفت و نشست و متصدی امور اهل آن ده شد لاقل دارای يك مقدمه ای هست و بیش از آن چه از این مدارس بیرون میآیند و تحصیل کرده باشند آنها دارای این مقدمات هستند . فرض کنیم يك ده نداشته باشد . ده دیگر دارد . يك قریه نداشته باشد . قریه دیگر دارد . اگر زبان ایرانی است که بنده دیده ام و دهات دهاتی است که بنده دیده ام کمتر دهی است که آده یا سواد در آنجا نباشد و در هر صورت ، آقایان سواد فارسی بد دادن ، دارالمعلمین و دارالمعلمت لازم ندارد . اگر ما نخواهیم از بن پول تا قبل دارالمعلمین و دارالمعلمت درست کنیم يك چیزی هم کسری آوریم ، بهتر این است که این جزئی پول را در نظر بگیرند که منحصرأ صرف مدارس ابتدائی دهات بشود و از وجوه دیگری که انشاء الله بعد تهیه میشود و لواجیحی که بعد میآیند در تمام ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعلمت تهیه کنند . در هر صورت برای این جزئی پول هیچ ازوه ندارد ما اینجا تصویب کنیم که صرف این جور چیزها بشود و اصل موضوع از بین برود يك پاره اش صرف مدرسه بشود و تقرباً بشی یکی از آقایان اسلوش هم باید طوری باشد که ، حفظ اصحه مناسب داشته باشد بسیار خوب البته حفظ اصحه هم لازم است .

در صورتیکه هوی زبان بهترین مرئی است ، همان جوانها و همان بچه هائی که در دهات و قراء هستند از حسن هوا استعدادشان خیلی صحیح است و هیچ آلاشی ندارند . خوب است بهمان معلمین و معالمانی که دارند قناعت کنند . و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمت را بگذارند برای بعد .

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - بنده تصور نمیکردم که با این ماده هیچکس مخالف باشد زیرا که تعلیم فرع بودن معلم است

رئیس - آقای آشتیانی
آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده عقیده ام این است که مسئله اعتبار نامه آقای آقا سید علی اکبر که جزو دستور بود مطرح بشود بعد وارد لایحه تعلیمات عمومی بشویم .

رئیس - مخبر شعبه خبر را مسترد کرده است و چون بنده در این باب نظری داشتم و بنظر بنده همچو میآید که سابقه ندارد خواستم در موقع تنفس با ایشان مذاکراتی بشود و بعد از تنفس مطرح بشود .

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بعد از اینکه جزء دستور شد سابقه ندارد پس بگیرند

رئیس - برای مراجعه بسابقه است . خبر کمیسیون معارف راجع به تعلیمات عمومی از ماده هشتم مطرح است .

وزیر معارف - اجازه میفرمائید؟ يك تبصره بود راجع بماده پنجم که در یکی از جلسات که این لایحه مطرح بود گویا از طرف آقای معظمی پیشنهاد شد و قابل توجه شد و به کمیسیون ارجاع شد و کمیسیون هم موافقت کرده است بنده هم موافقت میکنم و تصور میکنم آن قسمت باید مقدم باشد بر این ماده

رئیس - تبصره قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره - اعزام معلم از مرکز در صورتی است که در محل تهیه نشود

رئیس - مقصود همین است

وزیر معارف - بل

رئیس - در این باب اشکالی هست یاخیر ؟

(گفتند خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود باین تبصره آقایان که موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

و بنده نمیدانم چطور مدرسه باید تأسیس شود و تعلیم بدهند اطفال را بدون معلم؟ و اما اینکه میفرمایند: همه جا اشخاص با سواد هستند. این به عکس است. اشخاص با سواد خیلی کم هستند وقتی هم که باشد به درد معلمی نمی خورد. معلمی خودش يك شغلی است که باید تحصیل کنند. هر کس که درس خوانده است نمی تواند معاشی بکند. و انگهی این تعلیمانی که حالا دائر است بر طبق برنامه وزارت معارف و بعد هم برای مدارس دهقانی بزرگاری نوشته می شود. اینها يك طرز است که اشخاصی که تعلیم میدهند باید خودشان قبلاً آن طرز تعلیم را تعلیم بگیرند. و اینکه میفرمایند این جزئی وجه را نمی شود صرف این کارها بکنند این کار يك کار تازه نیست. تعلیمات عمومی يك لوازمی دارد که اول مقدمه اش تأسیس دارالمعلمین و ایجاد معلم است زیرا مقدمه هر کاری جزء آن کار محسوب می شود و تصور نمیشود که بتوان مدرسه را بدون معلم دائر کرد. و عقیده بنده این است که این ماده یکی از موادی است که مخالفت زیادی ندارد و خوب است موافقت بشود که زودتر رأی بدهیم و تصویب شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 میرزا یوسف خان (عدل) - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - بفرمائید.

عدل - اینکه بنده عرض میکنم مذاکرات کافی نیست. بعلمت این است که بنده يك تقاضای در بین مواد می بینم که اگر این ماده تصویب شود مخالف خواهد بود با سایر مواد و يك چیز محملی خواهد شد خوب است اجازه بدهند بنده عرایضم را عرض بکنم بعد رأی بگیرند.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای حاج شیخ بیات پیشنهاد کرده اند که دارالمعاملات حذف شود. بفرمائید.

حاج شیخ بیات - بنده در موقعی که این لایحه در کمیسیون تنظیم می شد مخالفت کردم و عرض کردم که دارالمعاملات برای تأسیس مدارس در دهات هیچ مورد ندارد بعضی از نمایندگان - چرا؟

حاج شیخ بیات - برای اینکه مدرسی که در دهات تأسیس میشود مدارس نسوان نیست....
 شیروانی - چرا؟

حاج شیخ بیات - بعلاوه تازه تمام اعتبار ما در آخر پنج سال با صد هزار تومان است. ما خیلی که زحمت بکشیم بفرمائید خود آقای وزیر معارف که اینجا فرمودند دویست مدرسه نمیتوانیم بیشتر تأسیس کنیم. البته تأسیس مدارس برای اطفال ذکور مقدم است بعد برای اناث....

شیروانی - بعکس است مندر باید تربیت کنند

حاج شیخ بیات - این است که بنده با ذکر دارالمعاملات مخالفم و از این جهت پیشنهاد کردم حذف شود

وزیر معارف - در کمیسیون معارف همانطور که اظهار کردند آقای بیات موافق نبودند با تأسیس دارالمعاملات و بنده در آنجا بطور اختصار عرایضی کردم و سایر اعضاء محترم کمیسیون هم موافقت کردند. حالا هم بطور خلاصه عرض میکنم. وزارت معارف هیچوجه نمیتواند فرق بگذارد بین ذکور و اناث و نمیتواند بگوید اول ذکور باشد بعد اناث. بلکه به عقیده بنده روزی این مملکت دارای سعادت خواهد شد که تعلیمات نسوان با دقایق لازمه در درجه اول باشد. بنا بر این چون میبینم احساسات همه آقایان موافق با این اصل است لازم نمیدانم چیزی عرض کنم و شخصاً بنده نمی توانم این پیشنهاد را قبول کنم.

رئیس - آقای مخبر هم که تشریف ندارند. رأی میگیریم. آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند.
 (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبرت از محل وجوده صدی نیمه در ماده هشت حذف شود.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده در این قانون يك اشکالی می بینم آن شب هم تذکر داده ام شب هم اجازه خواستم نوبت به بنده رسید این است که این پیشنهاد را تقدیم کردم و برای استفاده از آن میخواهم اشکال بنده را آقای وزیر معارف رفع کنند. مادراینجا دو ماده نوشته ام: یکی ماده اول و یکی ماده پنجم. در ماده اول نوشته ام که این پول را ما اختصاص میدهیم برای تأسیس مدارس ابتدائی. بعد در ماده پنجم هم برگشتیم از نو توضیح دادیم که این پول بمصارف اناثیه و ساختمان و خرید عمارت و غیره میرسد. حالا در این ماده مینویسیم در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند از محل وجوده صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات ابتدائی تأسیس خواهد نمود. این ماده را بنده مخالف با ماده اول و پنجم می بینم این است که میخواهم توضیح بدهند که مخالفت دارد با آن مواد یا خیر؟ اگر مخالفت ندارد بنده وقتی که حالی شدم پیشنهاد خودم را پس میگیرم.

وزیر معارف - بعقیده بنده ماده ۵ و ماده ۸ که نماینده محترم بآن اشاره فرمودند با ماده اول هیچ مخالفتی ندارد. در ماده اول بطور کلی معین شده است که این وجوه به مصرف تعلیمات ابتدائی خواهد رسید. این دو ماده تفصیل آن اجمال است و نظر این بوده است که این مبلغ در این اقلام معینه مصرف شود لا غیر. و این لازم بوده است برای اینکه اگر اکتفا میکردیم به آن جمله مصرف

تعلیمات ابتدائی ممکن بود خیلی مضارف پیدا شود از این صدی نیم. ولی مخصوصاً تصریح شد که وزارت معارف از بابت وجوه حاصله صدی نیم فقط می تواند در این اقلام و این قسمتهائی که در این دو ماده تخصیص شده است مصرف کند لا غیر. بنا بر این هیچ مخالفتی ندارد و این تفصیل آن اجمال بلکه تخصیص است. بعلاوه این جمله را عرض میکنم که برای وزارت معارف هیچ فرق نمیکند که پول از محل صد نیم باشد یا از بودجه مملکتی یا از محل های دیگر. چیزی که هست این است که بودجه مملکتی در هذه السنه فقط همان است که تقدیم مجلس شده است. عوائد اضافی ندارد، و چون ندارد اگر بنا باشد که آقایان نظرشان این باشد که این صد نیم از اینجا حذف شود امسال را که دارالمعلمین نخواهیم داشت سال ۱۳۰۷ را هم نمیدانم. بنا بر این بهتر این است که آقایان موافقت کنند و به همین ترتیب تصویب شود عدل - مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۸ بقرار ذیل نوشته شود: هر وقت وزارت معارف در مراکز ایالات و ولایات دارالمعلمین و دارالمعاملات تأسیس کرد برای دهات و قراء از کسانی که دارای تصدیق هستند اعزام خواهد نمود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مقصود بنده این است که این جزئی وجهی که برای مدرسه ابتدائی تخصیص شده صرف دارالمعلمین و دارالمعاملات نشود و تصدیق بفرمایند که دارالمعلمین و دارالمعاملات مدرسه ابتدائی نیست در طهران هم دارالمعلمین و دارالمعاملات داریم اسمش مدرسه ابتدائی است؟ اگر اینطور است که بنده مسترد میکنم اگر نیست بنده عرض میکنم با اینکه مؤکداً تصریح شده که این وجه جهت مدارس

ابتدائی قراء ودهات است آنوقت در ماده ۸ نوشته شود برای دارالمعلمین ودارالمعاملات است وفق نمیدهد. در هر صورت شصت هزار تومان کفاف نمیدهد که ما دردهات مدارس ابتدائی داشته باشیم ودر مراکز ایالات وولایات هم دارالمعلمین ودارالمعاملات تأسیس بکنیم. خوبست عجلتاً امسال نهیه و تدارک بنا و سایر اثاثیه مدارس ابتدائی دهات را بفرمایند در سنه بعد در بودجه عمومی مملکت انشاءالله دارالمعلمین ودارالمعاملات را در نظر بگیرند و بعد از اینکه اشخاص را تربیت کردند آنها را بقراء ودهات بفرستند و باز هم عرض میکنم که با ایجاد مدرسه ابتدائی قراء ودهات ازین خواهد رفت و هیچ موضوع نخواهد داشت

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- فرمایش آقای کازرونی بیشتر شبیه است بان کسیکه میخواست صورت شیر را روی دستش با خال بکوبد بعدگفت دم لازم ندارد، با لازم ندارد. شیرینی دم واشکم که نمیشود. بزرگترین نقص اساسی معارف ما این است که ما معلم نداریم. معلم غیر از این است که سواد داشته باشد. ما بیشتر از همه چیز در مدارس محتاج تربیت اخلاقی هستیم که نسل آتیه را با فضائی که برای يك ملت راقی لازم است تربیت کند و این چیزی است که معلم لازم دارد و چیز مضحکی است که بگوئیم معارف عمومی درست بکنیم، مدرسه داشته باشیم. ولی معلم نداشته باشیم، اگر بنا باشد ما امسال هم مدرسه تأسیس نکنیم قبل از همه چیز باید دارالمعلمین تأسیس کرد مثل دارالمعلمین های اروپا که معلمین خوب تربیت کنند معلم باید پسیکولوژی و علم تربیت را خوب بداند که شاگرد را خوب تربیت کند والا نتیجه اش خوب نمیشود و يك شاگردانی مانهیه خواهیم کرد که نتیجه اش همانطور میشود که آقای کازرونی مذمت میکردند و اینها نتیجه نداشتن معلم است و مقدم بر هر چیز داشتن معلم است. رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

پیشنهاد آقای کازرونی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای زعیم

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ماده هشتم را به شرح ذیل پیشنهاد می کنم:

ماده ۸ -- وزارت معارف مجاز است از محل عوائد صد نیم در کلیه نقاطی که صلاح و مقتضی میدانند کلاسهای اکار برای آشنا کردن معلمین و معلمات بطرز تدریسات جدیده تأسیس نماید.

رئیس -- آقای زعیم

سید حسنخان (زعیم) -- دراینکه همانطور که آقای دشتی فرمودند تدریس و تعلیم بشاگرد محتاج معلم است هیچ شك نیست بنده هم موافقم که برای تربیت معلم شاگرد بدارالمعلمین های اروپا بفرستند. یعنی معلمین خوب اینجارا باروپا بفرستند که طرز تعلیم و تدریس را یاد بگیرند. اما نقطه نظری که در اینجا هست برای تربیت اطفال دهاتی است که شاید تا کلاس چهار این چند ساله بالا نروند. برای این عمل ما باید يك کاری بکنیم که خیلی زود دست رس باشد به معلمین که بتوانند ایفاء این وظیفه را بکنند مفهوم تأسیس دارالمعلمین ودارالمعاملات این است که اطفال را تدریجاً در ظرف چند سال تربیت کنند برای معلمی و این نمیرسد به این کاری که ما عجلتاً در دست داریم در صورتیکه در دهات و قصبات اغلب دیده ایم که خود مکتب دارهائی که نسبتاً پایه معلوماتشان از حیث عربی و فارسی و ادبیات خوب است و شاید از شاگردهائی که از دارالمعلمین در می آیند و ما دیده ایم بهتر است. همینطور طلاب علوم دینی هستند که در مدارس قدیمه به اصطلاح دود چراغ خورده اند و يك تحصیلاتی

کرده اند و انصافاً فارسی و عربی شان خیلی خوب است منتها چیزی که هست شاید از عهده تدریسات بوضع جدید بیرون نیایند و برای این کار بنده پیشنهاد کردم که يك کلاسهای اکابری در هر نقطه که وزارت معارف صلاح میدانند در مراکز مهمه ایالات وولایات درست کنند که آن معلمین که پایه تعلیمات را دارند در آن کلاسها بروند و شاید در عرض دو سه ماه يك عده معلم حاضر و خوب که بدرد دهات بخورند داشته باشیم و اگر مردم استخاره هم بخواهند بکنند آنها بتوانند و با اگر يك استفسار عامی هم از آنها شد بتوانند جواب بدهند و این ترتیب بنظر بنده خیلی عملی می آید خرجش هم زیاد نیست و با این بودجه ناقابل که برای این کار هست اگر بخواهیم دارالمعلمین و دارالمعاملات در مراکز مهمه ایالات و ولایات درست کنیم گمان می کنم اصلاً به هیچ کار دیگری نسیم. این بود پیشنهاد بنده.

وزیر معارف -- در یکی از جلسات گذشته عرض کردم حالا هم بطور اختصار عرض میکنم برای نهیه معلم که یکی از پایه های مهم معارف مملکت است اگر وزارت معارف بخواهد موفق شود و آتیه معارف این مملکت را نامین کند متوازیاً سه اقدام باید بکند و اگر اکتفا به یکی یا دو تا کرد باز ناقص است. یکی از آن سه اقدام تأسیس دارالمعلمین ابتدائی است یعنی مدرسه که در آن معلم برای مدارس ابتدائی نهیه میشود. اگر امسال وزارت معارف موفق شد به تأسیس اینگونه دارالمعلمین ها در مراکز مهمه ایالات و ولایات چند صورت پیدا خواهد کرد. چون دوره اختصاصی دارالمعلمین ابتدائی که باید آن قسمتهای تعلیمی و تربیتی را یاد بگیرند يك سال بیشتر نیست بنا بر این در مراکزی که مدرسه متوسطه باشد یا سه کلاسه متوسطه باشد دوره دارالمعلمین ممکن است يك سال بیشتر طول نکشد چون شرط حتمی این است که شاگردی که در دارالمعلمین ابتدائی وارد میشود اقل

معلومات سه کلاسه متوسطه را داشته باشد. در طهران اگر بخواهیم دارالمعلمین ابتدائی دائر کنیم یا دارالمعلمین فعلی را توسعه بدهیم ناچار باید شاگردانی به آنجا بفرستیم که سه ساله متوسطه را طی کرده باشند بنا بر این در هر مرکزی که این وضعیت باشد بیش از يك سال طول نمی کشد اما در مراکزی که نیست و فقط مدارس ابتدائی هست یا يك مدارس متوسطه هست که يك کلاس یا دو کلاس بیشتر ندارد آنجا دوره اش چهار سال باید طول بکشد که سه ساله متوسطه را آنجا تحصیل کنند بعد هم آن سال آخر را در دارالمعلمین هائی که باین ترتیب امسال تأسیس میشود بطور کلی روی مرفته بعد از سه چهار سال نتیجه برای این مملکت خواهد داشت. خوب در این سه سال چه باید کرد؟ باید بهمین وضعیت امروزه اکتفا کرد و منتظر شد که بعد دیگر از این دارالمعلمین هائی ابتدائی شاگرد بیرون بیاید؟ خبر این کافی نیست به اینجهت وزارت معارف معتقد است در عین اینکه دارالمعلمین های ابتدائی در مراکز مهمه ایالات و ولایات تأسیس میکنند همانطور که آقای زعیم فرمودند کلاس های اکار شبانه هم تأسیس کنند که آنهائی که امروز متصدی امر تعلیم هستند بروند آنجا و آن قسمت های اختصاصی دارالمعلمین را تعلیم بگیرند و اگر از حیث تعلیم هم تقابلی دارند در آنجا یاد بگیرند و البته این دوره اش سه سال طول نمی کشد و تصور میکنم يك سال کافی باشد. باز این دو قسم هم بطور قطع کافی نیست برای مملکت مگر اینکه قسم سوم هم انجام بگیرد. ما باید معلمین عالی مقام برای پداگوژی و تربیت و تعلیم از خارج استخدام کنیم و با اینکه چندین سال يك عده از اشخاص لایق بفرستیم بخارجه که اصول تعلیم و تربیت را یاد بگیرند و بعد معلم همین مدارس بشوند. این سه طریق است و هر سه طریق هم باید متوازیاً و نواماً اقدام شود تا در آتیه معارف ایران سر و صورتی پیدا کنند و اگر بنا شود اکتفا به يك قسمتش بشود کافی نیست. و اینکه میفرمایند این پول

فقط مصرف خرج اینها میشود این طور نیست. مخارجش اینقدرها زیاد نخواهد بود که سکنه زیادی وارد بیابورد بنا بر این تصور میکنم که نظر ایشان تأمین خواهد شد و اگر موافقت بفرمایند بهتر است. بعلاوه دو سه تا لایحه دیگر هم راجع به معارف هست و بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند زود تر بگذرد که وسائل پیشرفت کار معارف فراهم شود و بنده هم که همیشه امتنان داشته‌ام بیشتر ممنون خواهم شد.

زعیم - مسترد میدارم.
رئیس - پیشنهاد دیگر آقای کازرونی.

(اینطور خوانده شد)

ماده هشت را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم: ماده هشتم وزارت معارف مکلف است معالین و معلمات برای مدارس ابتدائی دهات و قراء در مراکز ایالات و ولایات تهیه نماید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده تعجب میکنم که يك قسمت اعظم از عرایض بنده متخذ از اظهارات آقای دشتی بود که خودشان به بنده میفرمودند بهتر این است اهالی قراء با همان حال طبیعی و روح آزادی که دارند بدون اینکه اخلاق در آنها تزریق شود باشد. حالانکه را تنها میگذازند و برخلاف بنده اظهار میدارند کار ندارم ولی مقصودی که بنده دارم عین همان مقصودی است که ایشان دارند. مقصود بنده این است که محصلین قراء و دهات از مدرسه که بیرون میآیند دارای همان مزایائی باشند که محصلین اینجا باید دارا باشند. ایرانی يك بی آرایش باشند. میفرمایند معلم میخواهند. البته معلم میخواهند. من نگفتم خود بخود يك کسی از غیب علم را بیابورد و بآنها تزریق کند. بنده عرض کردم آخوند هائی که در دهات و قراء هستند اینها دارای معلومات هستند. همین آقای وزیر معارف که ما امروز داریم و دارای معلومات فوق العاده هستند که ما بوجودش

فقط مصرف خرج اینها میشود این طور نیست. مخارجش اینقدرها زیاد نخواهد بود که سکنه زیادی وارد بیابورد بنا بر این تصور میکنم که نظر ایشان تأمین خواهد شد و اگر موافقت بفرمایند بهتر است. بعلاوه دو سه تا لایحه دیگر هم راجع به معارف هست و بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند زود تر بگذرد که وسائل پیشرفت کار معارف فراهم شود و بنده هم که همیشه امتنان داشته‌ام بیشتر ممنون خواهم شد.

زعیم - مسترد میدارم.
رئیس - پیشنهاد دیگر آقای کازرونی.

(اینطور خوانده شد)

ماده هشت را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم: ماده هشتم وزارت معارف مکلف است معالین و معلمات برای مدارس ابتدائی دهات و قراء در مراکز ایالات و ولایات تهیه نماید

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده تعجب میکنم که يك قسمت اعظم از عرایض بنده متخذ از اظهارات آقای دشتی بود که خودشان به بنده میفرمودند بهتر این است اهالی قراء با همان حال طبیعی و روح آزادی که دارند بدون اینکه اخلاق در آنها تزریق شود باشد. حالانکه را تنها میگذازند و برخلاف بنده اظهار میدارند کار ندارم ولی مقصودی که بنده دارم عین همان مقصودی است که ایشان دارند. مقصود بنده این است که محصلین قراء و دهات از مدرسه که بیرون میآیند دارای همان مزایائی باشند که محصلین اینجا باید دارا باشند. ایرانی يك بی آرایش باشند. میفرمایند معلم میخواهند. البته معلم میخواهند. من نگفتم خود بخود يك کسی از غیب علم را بیابورد و بآنها تزریق کند. بنده عرض کردم آخوند هائی که در دهات و قراء هستند اینها دارای معلومات هستند. همین آقای وزیر معارف که ما امروز داریم و دارای معلومات فوق العاده هستند که ما بوجودش

آقای آقا سید یعقوب میخواهی سوادت را بخرج من بدهی؟! میخواهید خرد در اینس از من علاقه مند بمقام روحانیت نشان بدهید؟ من محو در عالم روحانیت هستم

بنده باشما در هر محضری حاضر هستم مذاکره کم در هر صورت آقای کازرونی فرمودند آخوندهای مکتبی بدرد مدرسه میخورند بنده عرض میکنم نمیخورند. برای مملکت مدرسه لازمه است. ما از مدرسه چه میخواهیم؟ ما میخواهیم در این مدارس محصلی تهیه و تربیت شود که بتواند با نسل زنده و متحرك امروز دنیا مقابله کند؛

یعنی بتواند در مقابل انگلیسی در مقابل آلمانی عرض وجود بکنند و در صنعت و علم و معارف مقاومت بکنند و این نمیشود مگر اینکه معلم داشته باشیم که بتواند روح ایمان و روح وطن پرستی را در آنها تربیت کند و آنها را با اعتماد بنفس و تولید ثروت تشویق کند نه اینکه آنها را دست شکسته بر بیابورد و همانطور که آقای کازرونی خودشان فرمودند که یکی از خصوصیات این مدارس این است که اشخاصی که از آنجا بیرون میآیند همه میخواهند نوکر دولت بشوند. باید طوری اینها را تربیت بکنند که وقتی آمدند بیرون تولید ثروت بکنند و با يك مملکت فاصله زندگی نکنند و این نمیشود مگر بوسیله دارالمعالمین عالی. البته با این پول کمی که ما امروز داریم ممکن است همانطوریکه آقای وزیر معارف فرمودند يك کلاسهای اکبری تشکیل بشود و باینها یاد بدهند که اینها رفع احتیاج را بکنند ولی در قانون باید حتماً نوشته بشود که از همین محلی که برای تعلیمات عمومی است دارالمعالمین عالی برای معالین مدرسه ابتدائی تشکیل بشود که بتواند شاگرد را طوری که ما میخواهیم بیرون بدهد نه اینکه هوچی بیرون بدهد که در عین بی سوادی ادعای فضل بکنند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هشتم این نوع اصلاح شود:

دارالمعالمین و دارالمعالمات در قصبات و دهات از محل وجود صدی نیم در تحت نظر وزارت معارف تأسیس خواهد شد.

آقای سید یعقوب - بنده در اصل تأسیس دارالمعالمین و دارالمعالمات مخالفت ندارم. مسأله مهمانطور که اظهار شد هر کاری مقدمات دارد چنانکه يك شرحی هم آقای مدرس بیان کردند در مسئله ساختمان که بنده کاملاً موافق بوده. هر کاری که میخواهیم بکنیم ابتدا باید مقدمات آنرا طوری مرتب بکنیم که به نتیجه برسیم نه اینکه اول داشته باشیم رسیدن به نتیجه که بدون طی مقدمات باشکال برخوردیم

در هر صورت مسلماً معارف عمومی را در همه ایالت منتشر کردن با اینکه دارالمعالمین و دارالمعالمات نداشته باشد ممکن نیست لیکن يك نکته اساسی است همانطور که ما در مراکز و شهرها بودیم و دیدیم گمان میکنم کسی منکر نباشد که ایالات و ولایات يك حقوقی از دولت اتخاذ میکنند که قصبات و دهات آن حقوق را نمیگیرند

و در دوره پنجم هم که مجلس با يك شعف و میلی این لایحه را رأی داد و این لایحه را گذراندند مجلس نظرش کلیتاً به دهات و قصبات بود که از منافع مرکز محرومند همان اصطلاحی است که میگویند که هر کس نزدیکتر به بخاری است بیشتر گرم میشود. در بیانات آقای وزیر معارف هم همین بود که این صدی نیم حقیقه تعلق دارد به دهات برای خاطر اینکه بودجه وزارت معارف در واقع مصرفش در مراکز و طهران است و در ایالات و ولایات. مثلاً در آذربایجان آن اندازه که در شهر آذربایجان توجه میشود بمعارف در دهاتش نمیشود. حالا آذربایجان را نمیگویم فارس را میگویم. در شهر شیراز وزارت معارف تأسیساتی که دارد در دهات و قصبات ندارد. ما برای اینکه قصبات و دهات را از منافع و منافع مراکز بهره مند کنیم آمدیم گفتیم يك وجه

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

بخصوصی را از مالیات در نظر میگیریم که در واقع این بمنزله يك وقف خاص میشود که این مختص بیک محل مخصوص باشد. ایالات و ولایات و مراکز آنها که در واقع کرسی نشین حکومتها و فرمانفرمایان است وزارت معارف آنها را خودش در بودجه اش ناچار است که تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بکند. اگر بفرمائید بودجه ندارد بنده استدعا میکنم از ایشان که لایحه پیشنهاد بکنند و مجلس هم موافق است که در تمام ایالات و ولایات از اصل بودجه وزارت معارف در آنجا تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بشود. اما قصبات و دهات را چون دیدیم معارف در آنجا نیست یا اگر هست کم است آمدیم گفتیم صدی نیم ...

زوار - ماده شصت و سه را در نظر بگیرید.

آقای سید یعقوب - پیشنهاد نیست. اصل ماده است که پیشنهاد کردم. در اینجا آمدیم گفتیم که از این صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات در دهات و قصبات تأسیس کنند نه اینکه در مرکز ایالات و ولایات که باز دهات و قراء محروم بمانند. قسمت مراکز ایالات و ولایات در عهده وزارت معارف است که تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات برای آنها بکنند. این بوده است نظر بنده.

وزیر معارف - تأسیس دارالمعلمین ابتدائی که در دهات بهیچوجه منالوجوه عملی نیست و معقول نیست در قصبات آن قصبات مهمه که مرکز يك ولایت یا يك ناحیه باشد اگر موجبات تأسیس دارالمعلمین در آنجا فراهم باشد البته خواهد شد ولی اینطور که نماینده محترم تصور کردند که اگر چنانچه دارالمعلمین ابتدائی در مراکز ایالات و ولایات تأسیس بشود اختصاص خواهد داشت بآنجا و به قصبات و قراء نخواهد رسید این طور نیست برای اینکه بنده يك حسابی میکنم. فرض بفرمائید در ۱۰ نقطه از نقاط ایران اقلش (ولی شاید بیشتر باشد) دارالمعلمین ایجاد بشود بعد که دوره اش تمام شد مالی در حدود دو بیست و پنجاه الی سیصد نفر معلم بیرون میآید

فرض بفرمائید سالی سی معلم از شیراز بیرون بیاید خود شیراز که اینقدر گنجایش ندارد طبعاً این معلمینی که از دارالمعلمین شیراز سالی بیست و پنج نفر سی نفر چهار نفر بیرون آمده اند بایسد در دهات و قراء تقسیم بشوند. این يك امر مسلمی است که باید اینها باطراف منتشر بشوند و الا اینها يك عمل لغوی است و يك وجود زایدی است بنا بر این تصور میکنم مقصود بهمین طوریکه در لایحه پیش یابی شده است بهتر تأمین بشود.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بیات

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده هشتم را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد میمائید ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعاملات (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی که در این قانون معین شده تأسیس خواهد نمود و در سنه ۱۳۰۸ در صورت لزوم مخارج آنها در جزو بودجه مملکتی باید منظور شود.

رئیس - آقای بیات. بفرمائید.

مرآضی قلیخان بیات - اساساً در این موضوع مذاکرات مفصلی در مجلس شد و بنده هم سعی میکنم که بطور اختصار عرض کنم. قسمت تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات البته يك چیز مهمی است و اول قدمی است که باید برای اصلاح معارف برداشت زیرا تا معلم نداشته باشیم نمیتوانیم قدمی برای اصلاح معارف برداریم. این را گمان نمیکنم هیچکس منکر باشد. ولی البته محل خرجی که معین میشود آن را هم باید در نظر داشت. يك پولی است برای

تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات داده میشود. يك پولی است برای مخارج مدارس. اینجا بعقیده بنده این وجه از برای مخارج مدارس و تحصیل ابتدائی است که در دهات بمصرف برسد. البته حالا چون ممکن است آقوی وزیر معارف اظهار بفرمایند که در این دو سنه بودجه مملکتی گنجایش ندارد و معلم هم باید داشته باشیم تا این مدارس را تأسیس کنیم باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از همین وجوه تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات بشود برای اینکه شاید در بودجه مملکتی نتوانند از برای آن محل وجهی تهیه بکنند ولی چون آن وجوه همانطور که در ماده اول قید شده باید وجه هر محلی بمصرف معارف همان محل برسد باینجهت آنوقت اشکال پیدا میکنند این پول را از آن محل دادن. زیرا تناسب تقسیم این پول به دارالمعلمین و دارالمعاملات ها اسباب اشکال خواهد شد. این پول را دهات میدهد مال هر دهی هم باید صرف آن مدرسه بشود که برای همان ده درست میشود و اگر نخواهند تقسیم کنند اسباب زحمت خود وزارت معارف خواهد شد. در دو ساله اول که پول کمتر است و وزارت مخالفه بطور تخمین پول میدهد ممکن است این دارالمعلمین را از این پول تأسیس کنند و پولش را از این وجوه بدهند. بعد از این دو سال که تقریباً وجوه بطور کلی پرداخته میشود در نظر بگیرند که مخارج این دارالمعلمین و دارالمعاملات که لازم است تأسیس شود در جزو بودجه شان بیاورند که عجبالتاً دولت از این وجوهی که دارد امسال و سال آینده مخارج آنها را بدهد و بعد از آن محل داده شود و باین ترتیب رفع اشکال میشود.

رئیس - آقای احتشام زاده عضو کمیسیون هستید؟

احتشام زاده - خیر.

رئیس - آقای طاهری.

دکتر طاهری - همینطور صدی نیمی که تصویب

شده باید صرف تعلیمات ابتدائی بشود و نباید بمصرف دیگری برسد موجبی ندارد که از پول دیگری صرف تعلیمات عمومی بشود. بودجه عمومی معارف عجلتاً محل ندارد و صدی نیم که وضع شده برای مدارس ابتدائی و تعلیمات عمومی است و بودجه عمومی معارف که دیگر صرف معلم نمیشود و جهت ندارد که از بودجه مدارس دیگر بردارند و صرف دارالمعلمین بکنند همینطور که تعلیمات ابتدائی را مجلس تصویب میکند از صدی نیم این عایدات بردارند و صرف آن بکنند. از وجوه دیگری هم نمیشود صرف اینکار کرد مثل این است که يك عمرانی را ما اجازه بدهیم بسازند. عمرات آجر میخواهد. گچ میخواهد. اینها از لوازمات عمرات است. دارالمعلمین و دارالمعاملات هم از لوازم تعلیمات ابتدائی است و اول قدمی که باید برداشته شود این قدم است که دارالمعلمین مخصوص برای مدارس ابتدائی باید اول در مملکت تأسیس شود.

وزیر معارف - آن قسمت آخر پیشنهاد آقای بیات که قید کرده اند در صورت لزوم برای بعد از سنه ۱۳۰۸ دارالمعلمین از بودجه مملکتی تأسیس خواهد شد آن را بنده نمیتوانم قبول کنم و تصور میکنم ضرورتی هم ندارد که برای سه سال دیگر از امروز فکر بکنیم ولی برای اینکه زودتر باین پیشنهادات خاتمه داده بشود اگر موافقت بفرمایند که آن قسمت حذف شود. برای همین سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بنده هم موافقت میکنم بعد در سنه ۱۳۰۸ البته اگر مقتضی شد از بودجه مملکتی و اگر نشد از همین جا مجلس وقت تصویب خواهد نمود.

بیات - اجازه بفرمائید بنده هم حذف آن قسمت اخیر را قبول میکنم.

وزیر معارف - یکمرتبه دیگر بخوانند.

رئیس - قسمت باقیبمانده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هشتم را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد مینماید
ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر
نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶
و سنه ۱۳۰۷ از محل وجود صدی نیم دارالمعلمین و
دارالمعلمیات (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی که در
این قانون معین شده) تأسیس خواهد نمود.

رئیس - (خطاب به آقای وزیر معارف) مقصود
همین قسمت است ؟
وزیر معارف - بلی . کلمه ابتدائی هم باید بعد از ذکر
دارالمعلمیات اضافه شود اینجا مطلق نوشته شده است
این یکی . یکی دیگر هم اینکه در بین اهل این کلمه معامله
هم بعد از معلم اضافه شود بهتر است : معلم و معامله .
(مجدداً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر
نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه
۱۳۰۶ و سنه ۱۳۰۷ از محل وجود صدی نیم دارالمعلمین
و دارالمعلمیات ابتدائی (برای تهیه معلم و معامله مدرسه
ابتدائی که در این قانون معین شده) تأسیس خواهد
نمود .

رئیس - آقای بیات باین ترتیب قبول دارید ؟
بیات - بلی .

رئیس - رأی قطعی گرفته میشود به ماده هشت .
آقایان موافقین قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده الحاقیه پیشنهادی آقای
شریعت زاده
(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم
تبصره - وزارت معارف مجاز است از عایدات موقوفات
مجهول المصرف و موقوفات راجعه بمطلق خیرات وسایل
ساختمان ابنیه و عمارات لازم را برای مدارس ابتدائی

میکنم مجلس نتواند يك چنین ماده را بعنوان
قانون بگذراند . چرا ؟ برای اینکه مخالف است
باساس عقیده مذهبی ما زیرا هر وقت باید مطابق قرارداد
واقف خودش بمصرف خودش برسد چه رسد به اینکه
امروز ما فقرا مان در میان خیریه ها از گرسنگی تلف
میشوند ما موقوفاتمان را در عوض خرج آنها بگیریم بنا
بمازیم آجر روی هم بگذاریم بسم اینکه در آئیه
میخواهیم مدارس داشته باشیم این است که بنده عقیده مند
نیستم که پیشنهاد آقا موقعیت داشته باشد .

وزیر معارف - يك قسم از موقوفات است . . . (البته
آقای بیات توجه میفرمایند) بنده نمی خواهم در این
مبحث وارد بشوم و موقع مقتضی نیست ولی بکقسمت
از موقوفات است که عوایدش وقف است بر مطلق خیرات
ومبرات بنا بر این تشخیص اینکه در هر دوره و در هر عصری
ندام قسمت از بریات مقدم است . . .

حاج شیخ بیات - باعلاء است .
وزیر معارف - خیر باعلاء نیست ، بعلاوه اینجا هم
اعلاء هستند . بنده تصور میکنم یکی از خیرات مبرات و بریاتی
که امروز در درجه اول از اهمیت باشد . . .

حاج شیخ بیات - جمع آوری فقر است .
وزیر معارف - این است که بهمان فقرا و بنواد همان
فقرا تعلیم داد . . .

حاج شیخ بیات - در صورتیکه نبرند .
وزیر معارف - اجازه بدهید . بنده معتقدم که از
عواید اوقاف باید مدارس اختصاصی اوقافی تأسیس کرد
و اولاد این فقرا را برد آنجا . . .

حاج شیخ بیات - ولی حالا پولش کجا است ؟!
وزیر معارف - در هر حال نه شما عصبانی بشوید
بنده هم عصبانی نمیشوم علی ای حال نظرایشان این است
که عواید موقوفاتی که تخصیص دارد به بریات و خیرات
اینها البته يك چیزی است و اینهم مستلزم این نیست
که تمامش را اختصاص بدهند به بنای مدرسه . نه . البته

عملی شدن این مسئله هم کار آسانی نیست . این را بنده
تصدیق میکنم ولی اگر آقایان توجه بفرمایند يك
اختیاراتی هم در قانون اساسی معارف در دوره دوه
مجلس بری وزارت معارف تصویب کرده است که در این
حدود است نهایت این ماده الحاقیه تاکید میکنند و بنده
خیال میکنم که يك تناقض و تعارضی بین این
ماده الحاقیه با آن وظیفی که در آن قانون برای
وزارت معارف و اوقاف معین شده است باشد
و قسمت موقوفات را خود آقایان میدانند بنده نمیخواهم دخل
در این باب بشود که آن استدلالی که کردند که حسب
ما اوقافها اهلها در صدی نود بر خلاف این است . در
صدی ده اگر يك عده از اشخاص متدین باشند که ذی
نفع و ذی حق در دخلت در آن موقوفات هستند موقوفات
بر تصرفی که وقف معین کرده رسانند . و این را هم
عرض میکنم که خیلی از فائده نیست . مطابق اطلاعاتی
که بنده از وزارت معارف و اوقاف دارم تمام منولی
ها هم از اهل علم نیستند کلاهی هائی هم داریم که داخل
در این قسمت هستند . . .

مدرس - صدی نودش کلاهی است .
وزیر معارف - بلکه علما و اهل علم و معممینی
که متصدی موقوفات هستند يك نسبت قلیلی دارند بنا بر
این این خودش يك مصرف و موضوعی است که تصور
نمیکم بین زودی هم بتوانیم باین کار اقدام بکنیم . و
همین فردا هم وزارت معارف موفق نمیشود به ضبطش و
اگر آقایان موافقت بکنند این خودش يك چیزی است
و گمان میکنم مخالفت با شریعت هم نداشته باشد .

رئیس - آقای کازرونی عضو کمیسیون هستید ؟
کازرونی - خیر . ماده است آقا .
رئیس - آقای شریعت زاده هم اجازه خواسته اند
ولی گویا نظامنامه اجازه نمیدهد .

شریعت زاده - این از مواردی است که چون آقای
بیات توضیحات بنده را برایش تعبیر و تفسیر مخصوصی

کردند که منظور نظرم نبود باین جهت باید توضیح بدهم.
رئیس -- رأی میگیریم بماده الحاقیه پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه -- از صدی نیم وزارت معارف مجاز است در اطاقی که صلاح و مقتضی میدانند در دهات و قراء مدرسه ابتدائی اکابر تأسیس نماید.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- چون پیشنهاد است باید مختصر صحبت داشت ولی چون بنده حال نداشتم اینجا آمدم که عرض بنده با آقایان برسد. در این چند سال هر چه صحبت معارف شده است و هر چه اظهار حرارت شده است بنده در معارف بخصوص حرفی نزده ام. فقط در قانون اساسی معارف که در دوره دوم بود آنجا دو کلمه عرض کردم. نکته اینکه هیچ بار عرض نکرده ام بواسطه این بوده که چیز یاد گرفتن از بس واضح است عقلاً و دیانتاً خجالت میکشیدم که برخیزم و بگویم این را باید توسعه اش داد و مسئله خیلی بدیهی است و دیانتاً هم عقیده ما بر این است که از هر چیزی مقدم است. یعنی اول کلمه که میشود نسبت داد بصاحب شریعت ما علم است دیگر حالایی یاد بگیر دیکی یاد نگیرد اینها بواسطه محظورات است. البته.

تبغ دادن در کف زندگی مست به که دادن علم را ناکس بدست البته علم که بهترین چیزها است اگر دست ناکس افتاد یعنی بداخلاق مضرات. فایده ندارد. حیوانات بمذهب ماهر کدام معلم شدند قیمت پیدا میکنند مثل سگ. سگ معلم تربیت شده دبه دارد. مثل انسان که دبه دارد سگ معلم هم دبه دارد این بواسطه شرافت علم است. پس این یاد بگیرد

رئیس -- (مدرسه) تبدیل میشود به (کلاس)
بعضی از نمایندگان -- بکمرتبه دیگر قرائت شود
(پیشنهاد آقای مدرس با تبدیل کلمه (مدرسه) به (کلاس) مجدداً قرائت شد)

رئیس -- ماده پیشنهادی آقای شریعت زاده ماده نهم میشود و این ماده. ماده دهم. آقایانیکه با این ماده موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده یازدهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم -- وزارت معارف مأمور اجرای این قانون وزارت معالیه مسئول پرداخت وجوه مذکوره در این قانون میباشد.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسینخان -- بنده يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودم گمان میکنم قبل از این ماده باید مطرح شود گویا فراموش شده است

رئیس -- زرسیده است. تجدید بفرمائید بعد از این ماده رأی میگیریم. در ماده یازدهم اشکالی هست؟
(گفته شد خیر)

رئیس -- آقای فهیمی پیشنهاد کرده اند که بجای وزارت معارف و وزارت معالیه نوشته شود وزیر معارف و وزیر معالیه.

(خطاب به آقای فهیمی) بفرمائید.

فهیمی -- در این ماده نوشته شده است وزارت معارف مأمور اجرا و وزارت معالیه مسئول پرداخت وجود است. سؤال و مأمور اجرای قانون وزیر است نه وزارتخانه اگر مجلس بخواهد برای نقض قانون استیضاح کنند از وزیر میکنند نه از وزارتخانه. بنا بر این بنده پیشنهاد کردم بجای وزارتخانه نوشته شود وزیر.

وزیر معارف -- وزارت معارف با وزارت معالیه هم که گفته میشود مقصود آن مؤسسه نیست. مقصود آن کسی است که مسئول آن مؤسسه است. مسئول آن مؤسسه در درجه اول البته شخص وزیر است ولی کلمه وزیر را اگر اینجا قید کنند آنوقت باید که کفیل را هم پشت سرش قید کنند ولی گمان میکنم با همین کلمه وزارت معارف و وزارت معالیه مقصود ایشان همین بشود.

رئیس -- رأی میگیریم. آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای امیر حسینخان
(اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه -- وزارت معارف مکلف است که از وجوه مذکوره در ماده اول مدارس ابتدائی سیار بجهت ایالات تأسیس نماید.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان -- بنده در خارج هم به آقای وزیر معارف در اینباب صحبت نمودم و ایشان هم با اندازه موافقت کردند. اساساً عقیده دارم ایالات که يك قسمت مهم از مملکت را تشکیل میدهند علت ندارد که از حقوق و استفاده مملکت محروم باشند. و همین قسمت تعلیمات ایالات هم خودش قدم خوبی است برای تحت قایوشدن ایالات. چون ملاحظه بفرمائید در طهران و شهرهای مهم ایران برای شاگردها و اطفال و حتی اکابر ممکن است يك وسیله تعلیمات باشد و همه میتوانند استفاده کنند و تعلیم بگیرند ولی برای ایالات بهیچ وجه من الوجوه نیست. و اینکه عرض کرده سیار برای این است که بنده اطلاع دارم از ایلات بختیاری تقریباً سه ماه یا چهار ماه نزدیک اصفهان اقامت دارند معلم میتواند در مدت این سه ماه یا چهار ماه برود آنها را تعلیم بدهد. یا همینطور در قسمت شیراز یا خوزستان

ناجای دیگر میتوانند آنها را تعلیم بدهند . علی برای اینکه ایلات محروم باشند بنده ندانم از این جهت این پیشنهاد را کردم .

وزیر معارف - بنده موافقت میکنم .

شیروانی - بنده مخالفم .

رئیس - عضو کمیسیون نیستند .

بیات - ماده الحاقیه است .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده که ماده یازدهم

میشود . آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . مذاکرات راجع بکلیات

قانون است . در کلیات مخالفی هست ؟ آقای آقا سید یعقوب

بکنفر از نمایندگان - بنده دوازده رای گرفته شد .

رئیس - رای گرفته میشود بنده اخیر که ماده

دوازده میشود . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد . آقای آقا سید یعقوب در کلیاتش

اظهاری دارید بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم در کلیات نه این است

که راجع به اصل موضوع باشد . گمان میکنم که راجع

به معارف مخالفی داشته باشم . لکن چون يك ماده

در اینجا گذشت و همانطوریکه رفیق محترم من حاج شیخ

بیات اظهار فرمودند من آن ماده را برخلاف قوانین

میدانم و مخالفت میکنم . برای اینکه در تمام مملکت ما

اولا يك صحبتی آقای وزیر معارف فرمودند که متولی

های موقوفات منحصر به عمامه ها نیستند و کلاهی هم

هستند . من خدا شاهد است نه اینکه چون عمامه

هستم بخواهم صحبتی کرده باشم عقیده ام این است که

دیانت اسلامی نسبت به کلاهی و عمامه علی السویه است

همانطوریکه کلاهی مطابق قوانین مسؤل خدا است

چنین لایحه مهمی را آوردند و واقعاً يك قده بسیار مهمی برای معارف برداشتند . البته همین امیدواری هم از ایشان میرفت عملاً هم ثابت کردند که مال خونسردی و متانت و بدون هو و جنجال مشغول عملیات بسیار مؤثر و مفیدی برای معارف هستند ولی لازم میدانم بنده در این موقع يك مطلبی را که خود ایشان هم غالباً توجه دارند تذکر بدهم . در ضمن مذاکرات ماده هشت بعضی آقایان مذاکراتی راجع به معلم و دارالمعلمین و دارالمعلمات فرمودند . همانطوریکه که مذاکره شد یکی از اوقاص بزرگ معارف ما نداشتن معلم است . معلم نداریم . آقای کازرونی فرمودند در هرده و قصبه يك لسی پیدا میشود که تعلیم بدهد . اینها معلم نیستند . متأسفانه در مملکت ما هنوز مفهوم حقیقی معلم وجود ندارد . معامی این نیست که يك کسی يك درسی را خوانده باشد و از روی کتاب آن را درس بدهد . معلم باید در اخلاق شاگرد و در مغز شاگرد ایجاد فکر کند که وقتی شاگرد شروع به تحصیل میکند خودش بتواند از روی فکر خودش در آن مطالب تصرف و تحقیقات بکند . معلم کسی نیست که فقط بتواند از روی کتاب درس بدهد .

در دوره دوم مجلس تصویب کرد و سی نفر شاگرد بفرستادند که پنج شش نفر آنها برای مسئله معامی و دارالمعلمین بودند که وقتی مراجعت کردند . متأسفانه بواسطه عدم توجه اولیای امور دو سه نفر آنها رفتند جای دیگر مستخدم شدند چند نفرشان هم فعلاً در وزارت معارف هستند و یقین دارم آقای وزیر معارف هم تصدیق میفرمایند که بهترین اشخاصی که برای پیشرفت کار در وزارت معارف میتوانند کار بکنند اینها هستند و آقای وزیر معارف در تکمیل این قدم اولیه شان باید يك توجهی بفرمایند که امسال هم بلکه بتوانند يك عده شاگرد برای معامی بفرستند بخارج و معلم تهیه کنند ، همان معامینی که میتوانند در افکار شاگرد تأثیری داشته باشند و ایجاد فکر بکنند و الا با

یول خرج کردن و مدرسه درست کردن ابتدائی عالی متوسطه هرچه باشد بالاخره ما دارای معلم نخواهیم بود در سایر ممالک و دشتن مدارس عالی و انیورسیتها و دانشن پروفیسور ها و دکتر ها معینا چندین در معامین و دارالمعلمات دارند برای اینکه معلم تهیه کنند و حال آنکه اگر درس خواندن کافی باشد از برای درس دادن دیگر محتاج بین قسمتها نبودند این است که بنده با امید واری کاملی که به سعی و جدیت آقای وزیر معارف دارم استدعا میکنم در قدم دوم پس از تعدیلات ابتدائی سعی فرمایند يك عده را بخرج بفرستند برای درس معامی که در آئینه اوقاص معارف از این حیث هم رفع شود و اسباب امیدواری باشد که از این مدرس نتیجه خواهیم برد .

عضی نمایندگان - مذاکرات کافی است

عراقی - بنده مخالفم . کفایت مذاکرات .

رئیس - بفرمائید .

حاج آقا اسمعیل عراقی - تصور میکنم آقایان هم که میفرمایند مذاکرات کافی است بجهت این است که يك لایحه مهمی هم داریم که باید بعد از این لایحه مطرح شود بین جهت است که میفرمایند مذاکرات کافی است والا اگر با طبیعه باین لایحه نگاه کنید هیچ مذاکرات نسبت بین لایحه کافی نیست برای اینکه يك ماده پیشنهاد شده است که هنوز مخالفین آن فرصت پیدا نکرده اند صحبت کنند و بنده هم با آن ماده پیشنهادی آقای شریعت زاده مخالفم و فرصت نشده است که حرف بزنم . مذاکرات کافی است یعنی رأی بدهید و تمام بشود و برود آنوقت مخالفت هائی که راجع باین ماده هست همانطور میباشد این است که بنده مخالفت کردم با کفایت مذاکرات .

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند

(عده قابلی قیام نمودند)

همینطور هم عمامه مسؤل است . بنده نخواهم که از هم لباس خودم دفاع بکنم . با ابرادی بر کلاهی داشته باشم بنده عرض میکنم آن حرفی که آقای حاج شیخ بیات گفتند اگر در این مجلس اظهار نشده بود بنده هیچ اظهار نمیکردم ولی برای اینکه گفته شد عرض میکنم اوقف علی حسب ما اوقف اهلهما ولا يجوز تبدیلهما . جواز تبدیل ندارند . وقف باید بترتیبی باشد که واقف معین کرده است ما باید اصول را محفوظ بداریم . و راجع بموقوفات هم البته وزارت معارف همانطوریکه مسؤل معارف است مسؤل اوقف هم هست . اگر ببینند که يك متولی عمل بوقف نمیکند مطابق قوانینی که گذشته است او را تعقیب بکنند که عمل بوقف بشود نه اینکه باین عنوان تبدیل بکنند و چون این عنوان تبدیل مصرف وقف است که وزیر معارف مکلف است که آن متولی را در تحت نظر حاکم شرع مکلف بکنند ناظر برایش معین کنند و بر او بگنجد که عمل بوقف نکند و مصرف خودش برساند نه اینکه ما رأی بدهیم بتبدیل مصرف . بنده ابتدا معتقد نیستم که ما يك چنین حقی اصلاً داشته باشیم که بتوانیم يك اصل مسلمی را تبدیل بدهیم یعنی مجلس شورای ملی مصرف وقف را تغییر بدهد! این است که بنده بنام قوانین مملکتی استدعا میکنم و عرض میکنم از این نقطه نظر بود که بنده ناچار شدم که عرض بکنم که ما حق تبدیل مصرف وقف را نداریم و وزیر معارف و اوقاف مسؤل است که آن مسؤل و متولی را که تجاوز کند او را وادارد که مصرف خودش برساند نه اینکه ما رأی بدهیم که مسجد را بردارند و فلان کار را بکنند . بنده ابتدا این حق را برای مجلس قائل نیستم آقایان هم اگر بقانون اساسی نگاه بکنند گمان میکنم بتوانند این حق را قائل بشوند .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده از تصویب این لایحه آقای وزیر معارف را تبریک عرض میکنم و خیلی خوشوقتم که در ابتدای کار وزارتشان يك

رئیس - تصویب نشد عجالاً چند دقیقه تنفس داده می شود (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بنافاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادهای رسیده است قرائت میشود بعد باید رأی بگیریم .

(بشرح ذیل خوانده شد)

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنند فعلاً و قبل از هر موضوعی لایحه عدلیه مطرح شود شریعت زاده و چند نفر دیگر

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - تخریری که بواسطه پیش آمدها در جلسات قبل در تصویب این لایحه شده است مقتضی است که بوسیله سرعت عمل آن تأخیر جبران شود . زیرا قطع نظر از اینکه يك عده باید حقوقشان پرداخته شود و ما هم چون به تشکیلات قضائی علاقه مند هستیم و میخواهیم هر چه زودتر آقای وزیر عدلیه وظایف خودش را انجام دهد بهتر این است آقایان موافقت فرمایند که این لایحه زودتر تصویب شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای اشتیانی

اشتیانی - عرض کنم قبل از تعطیل مجلس اعتبارنامه آقای اقا سید علی اکبر مطرح شد بواسطه مخالفت بکنفر از آقایان نمایندگان موکول بجلسه امشب گردید و این مسئله هم بقدر چهار پنج دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد لهذا بنده تقاضا دارم از آقای شریعت زاده که موافقت فرمایند آن اعتبار نامه مطرح شود بعد از آن لایحه اعتبار عدلیه مطرح شود .

شریعت زاده - البته این پیشنهاد بنده منافق نیست که تقاضای آقای اشتیانی هم پذیرفته شود و ممکن است بعد از طرح اعتبار نامه آقای آیه الله زاده بلافاصله لایحه

عدلیه مطرح شود .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای نجویی مخالف بودند

بعضی از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - رأی میگیریم بوکالت آقای اقا سید علی اکبر

از حمزه آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

[اغلب قیام نمودند]

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم به پیشنهاد آقای

شریعت زاده . .

زعیم - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایند

زعیم - این لایحه معارف را که الان در دست داریم تمام شده در کلیاتش هم مذاکره شده با اضافه یکماده در اینجا گنجانده شده که لازم است توضیحاتی در اطراف آن داده شود که این لایحه را کاملاً متقن و محکم کند و شاید پیش از ده دقیقه هم وقت لازم ندارد و لایحه عدلیه يك لایحه است که مفصل است و شاید در این جلسه هم تمام نشود و از این جلسه به جلسه بعد بیفتد و تکلیف این لایحه معوق ماند و این هیچ دلیلی ندارد که دولتی که رسیده دم چاه ول کنیم و برویم بی کار دیگر .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شریعت زاده

و چند نفر دیگر آقابانیکه موافق هستند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . مذاکرات راجع بکلیات

است

شریعت زاده - مذاکرات راجع بکلیات تمام شده بود شور در مواد است

رئیس - آقای کازرون

کازرونی - در عین اینکه ما بیستی تمام قوه و قدرتی که داریم در مساعدت با وزیر محترم عدلیه مهذول بداریم که بحول و قوه الهی موفق شوند يك عدلیه که برخلاف سابق و مطابق امیدی که مردم دارند تشکیل بدهند که بر خلاف گذشته حقوق مردم با مال و ضایع نشود و در نتیجه دولت و مردم موهون نشوند ولی بنده ملاحظه میکنم با پیشنهادی که بعد داده اند با این لایحه نمیشود موافقت کرد و بنده بیشتر متعجبم که آقای وزیر محترم عدلیه که خودشان پیش از همه بایستی علاقه مند به مجلس و حقوق مجلسیان باشند - در این لایحه چیزهایی را تقاضا کرده اند که تا اندازه حق مسلم مجلس را سلب میکنند !! مجلس شورای ملی در تعیین حق اولین رتبه مستخدمین حق دارد نظر کند و تعیین کند که حق آن مستخدم رتبه اول که اشخاص میگویند چند باید باشد اگر بنا باشد که ماسر بسته اجازه بدهیم بوزیر عدلیه که خودش هر اندازه و هر قدر مطابق نظریات خود مصالحت و مقتضی بدانند حقوق باجزاء بدهند پس حق مجلس که نظر کردن در بودجه است کی و چطور محفوظ میشود !! و چطور جمع بین این دو نظر را باید کرد ؟! مثلاً ما این حق را دادیم به وزیر عدلیه و يك اختیار آن با او داده شده که مشغول تشکیلات شوند ایشان همچو صلاح دانستند که مثلاً يك نفر رئیس صاحبیه ماهی دوست تومان با شش است ماهی پانصد تومان یا ششصد تومان بدهند بعد این باید بیاید به مجلس - مجلس صلاح نمیداند چون مجلس نمیتواند تبعیض قائل شود . آنوقت این تعارض چطور رفع میشود ؟! این اجازه که امروز بدهیم با آن حقی که باید رعایت شود چطور جمع بینش میشود ؟ علاوه آنچه شنیده میشود آقای وزیر عدلیه نظرشان این است که حقوق باجزاء عدلیه بایستی علاوه داده شود یعنی بقدری پول به آنها بدهند که بواسطه حقوق زیادی که میگیرند خیانت نکنند - این نظر

ایشان است و این نظر را هم بمانعی گویند که تا چه اندازه است و حدش چیست ؟ آه دو مسأله سار مستخدمین وزارتخانه است ؟ آه مساوی است ؟ آه سه مساوی است ؟ آیا چهار مقابل است ؟ معلوم نیست این تبعیض را ما چطور قبول کنیم و این اختیار را ما چطور میتوانیم بدهیم ؟! علاوه بر این بنده عقیده ام این است که حقوق مستخدمین تمام وزارتخانهها بایستی مساوی باشد و بنده عقیده ام این است که خیانت و خدمت بواسطه زیدتی و کمی حقوق نیست . شخص خائن خائن است . اگر حقوق او زیدتر است خیانتش زیدتر است . وزیر خائن اگر هزار تومان حقوق دارد ده هزار تومان خیانت میکند . مستخدمی که ده تومان حقوق دارد ده تومان خیانت میکند . تجربه ما نشان داده است که خائن بالاخره خائن است . بنده تجربه دارم بکنفر آدم که معتاد بود بر شود گرفتن در موضوعی که قبلاً متعلق بخودش بوده است مقطعه آن امر بخودش تسلیم شد اگر رشوه نمیگرفت صد هزار تومان صرفه اش بود لیکن ده هزار تومان رشود را ترجیح داد بان صد هزار تومان عایدی . چرا ؟ برای اینکه با طبیعتش ملائمت داشت . طبیعتش مانوس گرفتن رشود بود . آدم خائن طبیعتش خیانت کار است ولو هر قدر می خواهید حقوق بهش بدهید . علاوه بر این بنده عرض میکنم فرض کنیم يك رئیس صاحبیه را ماهی دوست تومان دادیم . بسیار خوب . این دارای چه رتبه است ؟ دارای رتبه سه است . مثلاً در وزارت خارجه کسی داریم که دارای رتبه سه است چند میدهیم ؟ شصت تومان میدهیم چرا باو دوست تومان میدهیم میگوئیم برای این است که تجاوز نکنند بحقوق يك فرد . اما باید تصور بکنیم که این که در وزارت امور خارجه است و ماهی شصت تومان میگیرد بعد از اینکه دید آن کسی که در رتبه او است و هم قرن او است دوست تومان میگیرد چه میکند ؟ خیانت در امور نوعی و در امور مملکتی میکند . يك

سازشی باخارج می‌کنند. و همچنین حکام شما - بعضی حکام ونواب حکام را شما ماهی شصت هفتاد صد تومان میدهید اگر بنشد که گفتید دوست تومان به صاحبه بدعند باوصد تومان بدهند او چه میکند؟ او هم خیانت میکند - حکومت اگر خیانت بکند چه میکند؟ بکنی سلب امنیت از یک ولایت یا از یک قسمت اعظم ممالک میکند نه از یک نفر و همچنین وزارت فوائد عامه و همچنین وزارت پست و تلگراف و همچنین سایر وزارتخانهها - اینها همه مهمند چه فرق می‌کند. هر يك از این مستخدمین اگر بنا شد در آن خدمتی که بهشان محول است خیانت بکنند يك ضرر اساسی دارد یا نسبت بافراد یا نسبت به مملکت یا نسبت به مردم و بعلاوه اگر بنا شد از برای اجزاء عدلیه حقوق زیادتری قائل شدیم شما صریحاً بدانید که در آتیه خیلی خیلی نزدیکی سایر وزارتخانهها هم همین تقاضا را خواهند کرد و شما هم بهمان دلیل مجبور خواهید شد که بپذیرید و هیچ دلیلی هم ندارید زیرا آنها در جواب خواهند گفت: آقا شما اضافه حقوق دادید که خیانت نکنند و ما حقوقشان کم است. یعنی چه؟ یعنی اگر کسی حقوقش کم باشد و خیانت بکند معذور است - ما حقوقشان کم است و خدمات عمده‌ای اساسی ما محول است و این حقوق که ما میدهید با زندگان ما تکافؤ نمیکند پس ما مجازیم خیانت کنیم - علاوه بر اینها بنده عرض میکنم فرض میکنیم بیک نفر از اجزاء عدلیه ملایک حقوق زیادتری دادیم این زندگانی عادی را میبرد روی آن حقوق تازه اش وقتی که روی این حقوق زندگانی خودش را تشکیل داد آنها هم برایش عادی میشود آنوقت آن مقام جدیدی که داند تقاضای يك پول زیادتری میکند یعنی اقتضای پول بیشتری در خور این مقام و این مخارج و این تشکیلات زندگانی حالیه که دارد میکند - اینها تجربه شده است. يك کسی يك وقت ماهی بیست تومان عایدی داشت زندگانش را بر طبق

آن بیست تومان تهیه و تدارک میکرد بعد صد تومان شد از روی صد تومان کرد اگر صد تومان را ازش گرفتند دیگر نمیتواند زندگانش ادامه بدهد - بعلاوه فرض میکنیم آقای وزیر عدلیه حقوق بعضی از اعضاء وزارت عدلیه را زیاد کرد فردا مجلس شورای ملی که این حق ازش سلب شده خواست تغییر بدهد وقتیکه خواست تغییر بدهد این يك مدت متمادی زندگانش را روی آن حقوق جدید درست کرده حالا که میخواهد تنزل بدهد يك اشکالات فوق العاده بزرگی پیدا میشود هم برای آن اشخاص و هم برای مملکت. در هر صورت بنده عقیده ام این است که تشکیلات یا حقوق که مستخدمین میدهیم باید متساوی و متناسب با هم باشد و این بنا را نباید بگذاریم و بنایستی يك تهیه و تدارکی به بینیم که فردا بودجه مملکت بقدری بارش سنگین بشود که نتوانیم از عهده برائیم و بعلاوه بنده میخواستم بدانم آقای وزیر که مثلاً از برای رؤسای صاحبیه يك حقوق زیادی قائل شده اند - آخر ایران که منحصر بطهران نیست. صاحبیه که تنها برای طهران نیست. حقوق تنها حقوق طهران نیست که باید محفوظ باشد. تمام نقاط مملکت با طهران متساوی است. بنایستی در سایر نقاط هم محاکم ابتدائی یا صاحبیه دایر شود. آیا کان میکنند که بتوانند بنام رؤسای صلحه که بنایستی در تمام نقاط مملکت دایر شود همین حقوق را بدهند؟ آیا ممکن است؟ این را در نظر دارند؟ بسیار خوب. بنده همین را میخواستم بدانم. آیا آن تناسبی که در بودجه جاری عدلیه هست نسبت بولایات هم در این اختیاراتی که خواسته اند منظور میدارند؟ یا این که این اختیاراتی که میخواهند منحصرأ خرج تشکیلات مرکز میشود و آنوقت برای ولایات يك تدارکات دیگری باید بینیم؟ یا از برای همه است. اگر برای همه است آیا این پول کفایت میکند که اضافه حقوق همسان طوری که میشنومیم (بنده که نمیدانم) به رؤسای صلحیه و قضات داده شود یاخیر...

بنایستی - خیر تفاوت میکنند در مرکز حقوق زیادتر داده میشود. کازرونی - بسیار خوب! به به!! در هر صورت بنده همچو مقتضی میدیدم که آقای وزیر اقبالاً بفرمایند که آن اشل را چند میخواهند قرارداد؟ یعنی اولین حقوق و اولین درجه را چند میخواهیم معین کنیم؟ آخر چشم بسته و ندانسته و مرسته باید رأی داد که آقای وزیر عدلیه هم هر طور بکند مقتضی دیدند بکنند؟! گمان نمی‌کنم این صلاح مجلس و صلاح ایشان باشد. فردا خودشان پیش از همه دچار اشکال می‌شوند. ایشان انحلال عدلیه ها را مقتضی دیدند. بسیار خوب. حالا قبل از اجازه بنده از اجازه با بعد از اجازه هر چه بود تمام شد. بعد اجازه خواستند که این قانون هم در حکم الغاء باشد. یعنی تحت نظر ایشان باشد تا مدت معینی. بسیار خوب. تشکیلات را هم از روی نظر خودشان بدهند. تمام این اختیارات را دادیم ولی بودجه اش را هم چشم بسته. سر بسته. در بسته. ندانسته باید رأی داد!

وزیر عدلیه - بنده از حسن اتفاق با نماینده محترم يك سوابق طولانی در مجلس پشت همین زیربن پیدا کرده ام و اغلب اتفاق افتاده که ایشان آمده اند نقطه مقابلش را گرفته اند و فرمایشاتی کرده اند و بنده هم آن طرفش را گرفته ام ولی نه لطف ایشان کم شده و نه ارادت بنده و حالا داخل اصل موضوع میشویم. بکقسمت فرمایشاتشان اول راجع باین بود که این لایحه يك موادی دارد و يك اختیاراتی را می‌خواهد که سلب حقوق از مجلس میکند. کویا فراموش فرمودند (يك اختیاراتی را میخواهد) خودش جواب ایشان است. بنده که يك اختیاراتی می‌خواهم پس معتقد بحق مجلس شورای ملی هستم که اختیارات میخواهم بنده بشما میگویم مجلس شورای ملی اگر میخواهد امروز يك عدلیه ساخته بشود این جور خوبست

اختیار بدهد. این جور خواست موافقت بکنید. ابتدا نه همچو فکری در بنده ممکن بوده است تولید بشود و نه اینکه اگر بنده میگویم کسی با بنده موافقت میکرد که سلب حق از مجلس بشود. خیر بنده این حق را از برای مجلس تصدیق میکنم و میگویم بموجب آن حقی که دارید بن اختیارات بدهید همانطور که مجلس در قسمت قوانینش هم يك اختیاراتی داده است. حالا می‌رسیم بن این که میفرمایند ممکن است پول زیادتر بدهند. ممکن است؟ خیر. خیر. قضعی است بنده این جا بقیان عرض میکنم بنیستی زیادتر داد. بنده معتقد بن هستم که اگر آقایان می‌خواهند این مملکت دارای يك قوه قضائی باشد که در پیش دوست و دشمن بشود در آورد باید قضات او دارای حقوق کامل باشند. شصت تومان بگویند تو قضی باش. یا هشتاد و نه تومان بگویند قضی باش. یا صد و ده تومان برای يك مقام عالی بگویند ما مستخدم می‌خواهیم میشود. برای چه؟ از دو نقطه نظر یکی اینکه اشخاص با اطلاع و اشخاص کافی و اشخاصی که بدرد کار بخورند اغلب حاضر نمی‌شوند با حقوق کم. هشتاد و نه تومان یا صد و ده تومان بروند در نقاط دور دست ولایات یا در خود مرکز وارد کار شوند میروند سایر جاها و آنوقت ما مجبور هستیم رجوع کنیم بیک اشخاصی که چون بیدچاره و بیکاره هستند باها بگوئیم شما تشریف بیاورید بجهت اینکه ارزان تمام بشود. بنده که تعهد نکرده بودم عدلیه ارزان برای آقایان درست بکنم. پس برای اینکه اشخاص کافی بیاوریم باین دلیل باید پول زیاد بدهیم و یکی دیگر اینکه مستخدمی که مخصوصاً حق قضاوت باو داده میشود و درجات و مال و حیثیات مردم را بش مؤثر است باید از برای او يك زندگانی آبرومندی تهیه کرد و بعد ازش متوقع کار صحیح بود - این اصل را دنیا تجربه کرده. حالا آقای کازرونی هم تجربه خودشان را می‌آورند بنده منکر تجربه ایشان نیستم اما تجربه

ایشان برای خودشان سند است برای بنده سند نیست. برای اینکه بنده تجربه دنیا را دیده ام. بنده معتقدم که باید بقاضی حقوق کافی داد ولی ایشای میگویند ما تجربه کرده ایم که بقاضی حقوق کافی هم بدهند تفاوت نمیکند پول زیاد هم که بدهند تغییری نمی کند. ممکن است. البته آن را هم بنده مخالف نیستم اما نباید قاضی را در يك وضعیت بدی گذاشت و محتاجش نگهداشت. کسی که در هر کاری مورد بعضی صحبت ها میشود. کسی که هر قضیه که پیش میاید بالطبع وسوسه میشود. این شخص را باید از یکطرف حقوق زیاد داد و از يك طرف هم مجازات سخت کرد. تعقیبش هم سخت و شدید باشد. بجهت اینکه خطای او در زندگانی مردم مؤثر است. حالا يك مسئله دیگر هم بنده میخواهم اینجا از آقای نماینده محترم (که یقین دارم با وجود این اختلاف نظر و عرایضی هم که کردم نسبت به بنده بی لطف نخواهند شد) پرسیم. خوب آقا تجربه بیست ساله ما این بود که با این حقوق و این تشکیلات این در آمد که بود. خوب تجربه بود. منکر این هستید؟! من که نمیتوانم این را انکار کنم. حالا اگر شما بیایید یکی یکی همان اشخاص و همان حقوق را مجدداً بر دارید بیاورید همین خواهد شد که بود و همین نتیجه ایست که دیدید. يك نکته را هم فرمودند که بنده تصور می کنم شاید قدری غفلت از بعضی مسائل در ضمن بیاناتشان شد و آن این بود که فرمودند نباید تبعیض بشود. من نفهمیدم مقصودشان از این صحبت چه بود؟ تبعیض بچه معنی؟ یعنی که تمام مستخدمین دولت باید يك حقوق بگیرند؟ بله؟ یعنی قرار بگذاریم مثلاً یکمرتبه همه مستخدمین پنجاه تومان یا سیصد تومان حقوق بگیرند؟ اینطور نه. اینکه البته معنی تبعیض نمیدهد. میخواهند بگویند اشخاصی که در رتبه های مختلف هستند اینها نباید يك حقوق بگیرند؟ یا اشخاصی که دارای يك رتبه هستند نباید حقوق مختلف بگیرند؟ آن بسته است.

به اینکه به بینیم آن اشخاص در کدام قسمت از قسمتهای کار هستند. مثلاً مستخدمین معارف هستند که معالین باشند الان همین هزار خود آقا بيك ترتیب معین حقوق میدهند؟ اینها که مثل سایر مستخدمین حقوق نمیگیرند معلم بیست و پنجتومان دارند یا ندارند؟ از طرف دیگر آقای کازرونی. شما مگر فراموش کرده اید. در دوره های پیش اصل اشل عدلیه شکل دیگری بود. چهل و پنج تومان بود در صورتیکه قسمت های دیگر سی و دو تومان بود. خوب این تفاوتها در همه جا هست. بله بنده این قسمت را تصدیق دارم که مستخدمین عدلیه (نه آن قسمت اداریش و کابینه و ثبت اسنادش این قبیل مستخدمین را نمیگویم) سایر قسمت هایش باز که و قسمت های قضائیش همین قسمتهایی که اشل علیحده دارد اینها هم باید با سایرین همه موافق يك ترتیب باشند و يك اشل داشته باشند و نسبت به کسانی که دارای بکرتبه هستند نباید تبعیض بشود؟ البته نمیتوانید بفرمائید تمام مستخدمین دولت کشوری و لشگری و قضائی همه در يك ردیف باشند و همه آنها را بيك ترتیب حقوق داد. این نه معمول مملکت شما بوده است تاکنون و نه معمول مملکت دیگران و بنده نمیدانم چرا يك مرتبه میخواهید این اصل را روی کار بیاورید؟! در اینجا يك نکته دیگری هم بود و آن این است که آقا فرمودند: خوب اگر بیایید و روی همین پایه بخواهید از برای همه جا حقوق معین کنید خرجش زیاد میشود بنابراین من همچو خیال میکنم که شما برای طهران میخواهید این کار را بکنید. بنده با قاطعیت میگویم که هیچ همچو فکری بنده نمی توانم بکنم و البته تصدیق هم میفرمایند این يك فکر غیرعقلانه و غیر عملی است که ما بیائیم بگوئیم مقصودمان از عدلیه خوب عبارت بوده است از عدلیه طهران - مقصودمان از قاضی خوب یعنی قاضی که در طهران بنشیند. مقصود از حقوق زیاد یعنی حقوقی که بقاضی که در طهران است داده شود. خیر خیال آقا

کاملاً راحت باشد. و اما راجع بقسمت آخر که بنده جوابش را یادداشت کرده ام.

میفرمایند: در قانون که اختیار - در تشکیلات که اختیار - در بودجه هم اختیار! بنده يك جواب دارم که بدهم و میگویم. البته. البته. بجهت اینکه اگر این اختیار نباشد تمام آن اختیارات دیگری که آقایان دادند مثل يك تعارف البته بمرحقی بود ولی مقصود این بوده است که هیچ عملی نرسد. مقصود این بوده است که تعارف نشود و همان چیزی که از این دست داده ایم از دست دیگر بگیریم ولی بنده امید وار هستم که اکثریت مجلس همانطوریکه در آن روزاوان مساعدت کرده همانطوریکه در آنوقت اظهار موافقت کرده. همانطوریکه آن روز اجازه دادند که بنده امید وار بشوم (حالا چون يك عدتی بد خورده است بین قضیه يك عقیده دیگری پیدا کرده باشند) امروز هم با همان عقیده و رویه تک کنند و بگذارند يك کاری بشود و باز عرض میکنم این کار شخصی بنده نیست حتی این کار از حدود يك وزیر تجاوز کرده این کار کار مملکت است و بنده از آقایان خواهش میکنم که در اینجا بانظر مساعدت نگاه نکنند و اگر بخواهند از روی آن اختیار برگردند آن يك امری است علیحده ولی اگر میخواهند روی همان اختیارات اخیر - چطور شد شما در تشکیلات و در ترتیبات قوانین محاکماتی در همه اینها اظهار مساعدت کردید ولی حالا که پای پول است اینجا میخواهید مساعدت نکنید؟ وارونه این این است که یکفتمی میگویم که کسی نخورد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بعضی عرایض داشتم که غالب آنها را آقای کازرونی فرمودند و آقای وزیر عدلیه هم جواب های آن را فرمودند ولی چیزی که هست بواسطه کج سلیقه گی که در خود بنده هست یا ترتیبانی که هست قانع نشدم. میفرمایند که باید حقوق را زیاد

کرد تا اینکه خیانت نکنند همانطور که آقای کازرونی فرمودند و قتیکه بنا شد مجازات در کار نباشد اگر بهر نفری صد هزار تومان هم بدهید خیانت خیانت کار زیاده تر میشود. باید در مملکت مجازات باشد. مخصوصاً در ادارات اگر مجازات شد کار درست میشود ولی اگر مجازات نشد با اضافه کردن و کسر کردن حقوق کار درست نمیشود باید مجازات باشد تا کار درست شود. وجود اینکه خدا شاهد است بنده خیالم نیست که آقای وزیر عدلیه که شخصی است کافی و کار دهن و جدی و لایق مخالفت کنم اما از آن جهت که خود عقیده به اصلاحات دارم و بعضی از قسمت هایش مخالفم. مثلاً ایشان يك اعتباری خواستند بجهت ساختن عدلیه در صورتیکه همه کس میدانند احتیاجات این مردم چیست و فقر و فلاکت این مردم را همه میدانند و ما يك کارخانه نداریم. این صد هزار تومان را نمک است صد هزار تومان دیگر هم بهش اضافه کنند و يك کارخانه کاغذ سازی وارد بکنیم که این احتیاجات مردم رفع بشود و این قدر پول کاغذ بخارج ندهیم و يك عده هم مشغول کار شوند و انشاء الله این عدلیه هم در تحت نظر و جدیت خودشان باشد و اگر مجازات هم در کار باشد خیلی خوب میشود کار را باصلاح در آورد و هیچ ما محتاج بيك عدلیه جدید که نیم فرسخ دورتر از این جا باشد که هر بدبختی بخواهد برود آنجا باید درشکه سوار بشود نیستیم. یکی دیگر اینکه بنده در این اختیاراتی که خواسته اند نظر سوئی بخود ایشان ندارم اما این سابقه خواهد شد بجهت اینکه تمام وزارتخانهها عنقریب هر وزیری که داخل کار بشود و مشغول کار بشود می آید و يك اختیاراتی برای خودش میخواهد آنوقت به بینید کار بکجا خواهد رسید و آیا اصلاح مملکت هست یا نیست؟ در صورتیکه همه میدانیم این کار ها صلاح نیست. چطور میشود این اختیارات را داد. شخص ایشان طرف اطمینان هستند دیگران شاید بیایند

و طرف اطمینان نباشند و جدیت ایشان را هم نداشته باشند و همین اختیارات را خواهند گرفت و اسباب زحمت میشوند بنابراین باین نقاط نظری که عرض کردم بنده مخالفم.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- آقای فیروز آبادی فرمودند همانطور که آقای کازرونی اظهار فرمودند خائن است ولو اینکه حقوق بزاف هم به او داده شود ولی باید تصدیق بفرمایند که بسیاری از اصول را در این فرمایشاتشان فراموش کردند اگر اینطور باشد تربیت اخلاقی نیست. بالاخره بشر دو جور خلقند يك دسته اشرار و يك دسته ابرار. تمام این قوانین و نظامات و حکومت و دولت و مجلس و اینها برای رفع تعدی اشرار است نسبت به ابرار. اشرار آنهایی هستند که نمیخواهند امتثال کنند مالیات بدهند و دولت تشکیل بدهند ولی ابرار آنهایی هستند که مالیات میدهند سرباز میدهند و دولت تشکیل میدهند و برای رفع شر اشرار از ابرار این گونه تکالیف و دستورات و نظامات برای جامعه يك ملت یا يك قومی پیدا میشود و اگر شما ملاحظه بکنید غالب قسمتهایش راجع به تربیت اخلاقی آنها است پس اگر بنا بشود که خائن خائن باشد و نشود جلوگیری از خیانتش کرد که نمیشود و يك شق جلوگیری همان مجازات است که فرمودند و الا تربیت در درجه اول مقدم است. و بنده بطور تفصیل نمیخواهم وارد بشوم در این قسمت و می گذارم برای بعد. اما اینکه فرمودند این صد هزار تومان اعتبار را صرف يك کارخانه بکنیم و غالباً این فرمایش را میفرمایند. بالاخره همه موافقتند که کارخانجاتی در این مملکت تأسیس شود و هیچکس منکر نیست که مؤسسات صنعتی باید در این مملکت زیاد شود و توسعه پیدا کند ولی نباید منکر اصلاحات عدلیه هم شد. اگر محالاً ما يك پوله‌ای زیادی نداریم که مؤسسات صنعتی ایجاد کنیم این دلیل نمی شود که آن حد اقلی که

ما از ملت می گیریم و باید قوه قضائیه داشته باشیم از آن هم صرف نظر کنیم. این اعتباراتی که برای وزارت عدلیه قائل شدیم این حد اقلی است که برای تشکیلات قضائی يك مملکتی است و بنده در موقعش عرض می خواهم کرد که ما لا اقل باید سه چهارم کرور تخصیص بدهیم بقوه قضائیه این مملکت عریض و طویل این مملکتی که شهرهایش از هم دور است ولایات و مراکز استیفايش از هم دور است و ناگزیرند که محاکم سواره قائل شوند اعتبارات بیشتری میخواهد. مملکتی که هنوز راهپایش شوسه نشده است و راه آهن ندارد باید قوه قضائیش را طوری قرارداد که در دست رس تمام افراد مملکت باشد از مرکز تا ماکو و از آنجا گرفته تا گوآتر. فرمودند که ما این اختیارات را با آقای داور داده‌ایم و از کجا که در آئینه يك وزیری پیدا بشود که مثل ایشان مورد اعتماد و اطمینان مجلس باشد. اولاً فراموش فرمودند که ما گفتیم این اختیارات مان وزیر عدلیه فعلی است (یعنی آقای داور) و مدت آن چهارماه بود بعد بنا به پیشنهاد آقای مدرس شش ماه علاوه شد برای آزمایش که ده ماه باشد و در این ده ماه ما اصلاحات عدلیه را اینطور دادیم حالا یا خود ایشان خواهند بود یا شخص دیگر. اگر بان شخص هم اعتماد داشتیم اختیاراتی میدهم و اگر اعتماد نداشتیم اختیار نمیدهم بالاخره مجلس در هر حال مختار است که نسبت باشخاص دیگری اظهار اطمینان بکنند یا نکنند و این مذاکراتی که شما فرمودید در این موقع هیچ مورد نداشت.

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود برای شور در مواد آقایانی که شور در مواد را تصویب میکنند فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت می شود. (بشرح ذیل خوانده شد)

مشغول کار بوده اند اعم از مرکز و ولایات تا آخر اسفند ۱۳۰۵ بپردازند.

انحلال کاری بما ندارد این يك فعلی بود که از طرف دولت به مقتضیات مسؤلیتی که داشت اقدام شد و اکثریت مجلس هم رأی اعتماد به وزیر عدلیه داد و اقدام کرد. این دیگر ربطی بما ندارد که مجلس رأی با انحلال بدهد آقایان میدانند که بنده يك اقلیت مفرضی نیستم و چنانچه برخود وزراء محترم معلوم بوده است و بر همه آقایان نمایندگان محترم هم مبرهن است بنده اقلیت مفرضی نبودم که بخوام خدی تا کرده اعمال غرض و نظر شخصی در امورات بکنم تمام نظره این است بقدری که قوه در آن که ام نسبت بقوانین می فهمد قوانین را از مجرای خودش بفهمد نه اینکه آقایان وزراء يك کاری بکنند و گردن مجلس بگذارند و با مجلس يك حقی را از آقایان وزراء بگیرد بنده بقدری که مسائل را میدانم عرض میکنم مجلس که رأی با انحلال عدلیه نداد بلکه راجع بوزارت عدلیه نظرش اصلاحات بود و مقصود مجلس این بود که خود آقای وزیر عدلیه نظر باینکه مسؤل هستند اصلاحات بکنند حالا ایشان مسؤل هستند. بمن چه من که مسؤل عدلیه نیستم. بنده نمیتوانم رأی با انحلال عدلیه بدهم بنده نمی خواهم در کار قوه مجریه دخالت کنم. از این جهت بنده پیشنهادی بمقام ریاست کردم و تقاضا دارم قرائت شود بنده گمان میکنم خود آقایان وزراء هم تصدیق میکنند که این عرض بنده مورد است.

مسئله دیگر که خود آقایان هم مستحضرند و خیلی بطور سهل و ساده عرض میکنم این است که تعیین يك موضوع خارجی حق مقننه نیست یعنی مجلس شورای ملی که قوه مقننه است نمیتواند در وزارتخانهها بگوید فلان کس منتظر خدمت است یا نیست. قانونی از مجلس میگذرد و بدست آقایان وزراء میرسد تطبیق مواد قانون را بر مصداق خارجی وزراء باید بکنند و حق قوه مجریه است نه حق بنده. تشخیص منتظر

ماده اول -- بوزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه مشغول کار بوده اند اعم از مرکز و ولایات تا آخر اسفند ۱۳۰۵ بپردازند. مستخدمین مزبور از ابتدای ۱۳۰۶ تا موقعی که مجدداً بخدمت منصوب نشده اند منتظر خدمت وزارت عدلیه محسوب خواهند بود.

رئیس -- آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب -- بنده در این ماده اول يك پیشنهادی کرده ام و خدمت آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه دادم و در يك قسمتهایش هم آقای وزیر عدلیه موافقت کردند و حالا میخواهم عرض کنم و توجه مجلس را بعرض جلب کنم این کابینه که تشکیل شد با آن پروگرامی که در مجلس آوردند نظر تمام آقایان هست که در آن ماده که راجع بقوه قضائیه بود تکمیل قوه قضائیه بود. عنوان انحلال قوه قضائیه در پرگرم نبود و مجلس هم به تکمیل قوه قضائیه رأی داد به انحلال قوه قضائیه رأی نداد بعد وزیر عدلیه برای اصلاح عدلیه يك عملی را در نظر گرفتند و آن عمل را کردند و آمدند در مجلس و يك اختیاری برای آزمایش و تشکیل کمیسیونها و آن تشکیلاتی که در نظر داشتند گرفتند مجلس رأی داد بنده که مخالفت کردم و رأی ندادم ولی در این جا چون این ماده راجع بحقوق مستخدمین است بنده هیچ نمیتوانم در این جا انصاف کسی کنم که بگویم مستخدمین حقوق داده نشود. باید حقوق داده شود ولی دو عبارت در این جا گنجانده شده است که هیچ ربطی به مجلس شورای ملی ندارد و نمیدانم حالا آقای وزیر مالیه که فرمودند ما این مواد را خیلی بدقت نوشته ایم چه جواب خواهند فرمود گرچه معلوم است آقایان وزراء خیلی قابل هستند و با يك بزرگواری موادشان را از مجلس میگذرانند و بعد ما می فهمیم که چه خبر است. یکی این است که نوشته است (به وزارت مالیه اجازه داده میشود حقوق اشخاصی را که در تاریخ انحلال تشکیلات وزارت عدلیه

خدمت شدن با خود وزیر است و او باید معین کند و ربطی با ندارد. این را لازم است بنده عرض کنم که نظر مجلس اصلاح قانون است همانطور که میگویند تعیین موضوع شأن فقیه نیست بلکه فقیه باید حکم مسئله را معین کند در اینجا هم همینطور است یعنی قوه مقننه باید قانون وضع کند. تطبیق مصداق خارجی با قانون دیگر ربطی با ندارد و از وظائف قوه مجریه است و ما نباید در کار قوه مجریه دخالت کنیم. قوه مجریه که مأمور اجرای قوانین است او باید بگوید و تشخیص بدهد که بموجب فلان ماده قانون فلان کس منتظر خدمت است این است که بنده پیشنهاد کردم برای حفظ حقوق این اشخاصی که مستخدم بوده اند و در مرکز و ولایات مشغول خدمت بوده اند تا آخر اسفند وزارتنامه مأمور است حقوق این ها را بپردازد دیگر منتظر خدمت بودن ربطی با ندارد. این مسائل مربوط به تشخیص خود وزیر است زیرا او مسؤول است از اینجهت بنده این پیشنهاد را عرض کرده و بخود آقای وزیر عدلیه هم عرض کرده ام.

وزیر عدلیه - بیاناتی را که آقا فرمودند قبلاً هم با خود بنده مذاکره کردند و فرمایشاتشان دو قسمت داشت یکی مسئله انحلال که فرمودند ربطی بمجلس ندارد و یکی هم مسئله منتظر خدمت بودن اشخاصی که بعد سر کار می آیند.

اما قسمت دوم که میفرمایند اشخاصیکه بعد شغلی بانها رجوع نشود منتظر خدمتند این مسئله ایست که بودن و نبودنش در اینجا از نقطه نظر قانون یکسان است. چرا؟ بعلم اینکه يك کسی که مستخدم بوده بعد اگر سر کار نیامد و محکوم بانفصال هم نشده باشد قهراً بطوریکه قانون پیش بینی کرده منتظر خدمت محسوب میشود يك چنین کسی در عرف قانون استخدام منتظر خدمت محسوب است و چیز دیگری نیست. پس اینکه اینجا نوشته شده چیز تازه نیست و اگر هم نباشد قهراً

ولی يك نکته را عرض میکنم. و آن این است که مسئله نطق و حرف مخصوصاً در مجلس خودش يك صنعتی است و خودش يك ورزیده گئی است و هیچ مربوط باصل واقع نیست. این مسئله حکم آنها را دارد که اگر يك تکه آهن را بدهند بدست يك صنعت کار يك قلم تراش خیلی با کیزه درست میکنند و بشما تحویل میدهد که پنجاه تومان قیمت دارد ولی اگر بدیگری که سررشته نداشته باشد بدهید با این آهن يك بیل درست میکنند که يك قران قیمتش است ولی با بددانت که جنس همان جنس است و یکی است و همان آهن است. و در جنس آهن اقدرها تغییر پیدا کرده نشده. غرضم این است که حقایق بجای خودش محفوظ است. ولو اینکه منطق من رسا نباشد و بتوانم از عهده تقریر بر آیم. این مسائل بجای خودش مسلم است فرمودند من تجربه دنیا را کرده ام فلانکس تجربیاتش محدود است بنده منکر این نیستم که تجربیات ایشان بیش از بنده است ولی خوب بود میفرمودند معلومانشان زیرا تجربه برور زمان برای انسان حاصل میشود.

وزیر مالیه - گفتند دنیا اینطور تجربه کرده خودشان را نگفتند.

کازرونی - بسیار خوب. غرضم این است که ما بحسب تجربه که داریم و گمان میکنم فرد آقایان هم این مسئله را تصدیق بفرمایند که خوبی و بدی اشخاص يك چیزی است که بدادن یا ندادن باز یاد و کم دادن پول از آن جلوگیری نمیشود یعنی نمیشود که من پول زیادی بفلان بدهم و باو بگویم حالا دیگر اخلاقاً درست کار باش. اخلاق را نباید در کار های اجتماعی و سیاسی دخالت داد بلکه باید قانون گذار همیشه جنبه بد بینی را در نظر بگیرد.

بنده تجربه دارم در موضوع گمرک. همان مستخدم گمرک که قبل از اداره شدن گمرک رشوه میگرفت و دزدی میکرد همینکه گمرک اداره شد و حقوقش هم از دست توامان

بنده نومین رسید قانون طوری جلو او را گرفت که با اینکه حقوقش کم شده بود معذک نتوانست يك قران خیانت کند و بقدری قانون آنها را مؤدب کرد که انسان خیانت نمیکند سالهای متعادی است که این اشخاص تربیت شده اند. پس قانون باید جلو گیری کند. بنده از آقایان سؤال میکنم هیچوقت یکی از وزارتخانهها يك مستخدمی را استخدام کرده که بداند این مستخدم خائن است؟ خیر همیشه اوقات مستخدمی را که استخدام میکنند میگویند این آدم صحیح العمل درست کاری است. رئیس - آقای کازرونی در کلیات صحبت میفرمائید کازرونی - در ماده اول نمی توانم در کلیات صحبت کنم.

رئیس - خیر کازرونی - مقصود این است این عرایض من يك عرایضی نبود که چندان پیچ و تاب داشته باشد بنده عقیده ام این بود که با بدائل حقوق را معین کنیم مسئله پول سوای مسئله تشکیلات است و مسئله اضافه حقوق سوای تشکیلات است. پس از آنکه بنام آقای وزیر عدلیه حقوق را زیاد کردند مثلاً بکسی که صد تومان حقوق میدادند فرطاً سیصد تومان بدهند آوقت چه میشود؟ میفرمایند شخصی هستند که اگر بنا شود پول کم بانها بدهند قبول نمی کنند این يك حدس نا محدودی است. ما نمی دانیم این آدم درست کار و صحیح العملی که ایشان پیدا کرده اند کیست و چقدر باید پول به او داد که قبول کند و راضی شود.

رئیس - باز از موضوع خارج شدید. کازرونی - چون مقام ریاست تذکر دادند که در ماده اول نمیشود در کلیات صحبت کرد و بنده بر حسب سابقه می خواهم صحبت بدارم ولی حالا منصرف میشوم. میفرمایند این ها منتظرین خدمتند. معلوم میشود همین اعضاء و اجزائی که عدلیه بواسطه وجود آنها خراب

بوده و مردم از اینها متاثری بودند جزء مستخدمین رسمی محسوبند و تا زمانیکه شغلی بانها داده نشده حقوق انتظار خدمت بهشان میدهند و بعد هم البته به منتظر خدمت باید شغل رجوع کرد. پس بهمان مستخدمینی که بعقیده آقای وزیر بد بودند حالا حقوق انتظار خدمت داده میشود منتهی حقوق بیشتری زیرا ناچار مطابق تشکیلات جدید بانها هم حقوق خواهند داد. و شاید فزونی هم داشته باشد بر آن مبلغی که قبل از انتظار خدمت حقوق میگرفتند. در هر صورت این عده که منتظر خدمتند و بکعبه دیگر هم ناز میآیند و مشغول خدمت میشوند و بعد هم بمرور بهمین منتظرین خدمتی که از دستشان شکایت داریم کار داده میشود و بنده نمیدانم بالاخره چه خواهد شد.

شیرازی (مخبر کمیسیون بودجه) - بنده در این ماده آنطوریکه نماینده محترم داخل کلیات شدند وارد کلیات نمیشوم و معامله بمنال نمیکم فقط همان فرمایشانی که در اینجا فرمودند جواب عرض میکنم. از قول آقای وزیر عدلیه فرمودند که ایشان همچو فرموده اند با شخصی که منتظر خدمت هستند حقوق داده میشود ولی بدبگاران داده نمیشود. ایشان همچو فرمودند بلکه مخصوصاً تصریح کردند اشخاصیکه از حاکمه خوب بیرون میآیند و محکوم نشده باشند و مستخدم دولت محسوب شوند آنوقت حقوق انتظار خدمت بانها داده میشود. تصدیق خواهید فرمود که بالاخره تمام قانون عدلیه را در این جا نباید نوشت.

حاکمه قضات يك قانون و امر علیحده ایست که بموجب آن قضات محاکمه میشوند و در صورتیکه بکنفر قاضی از حاکمه خوب بیرون آمد و غیر خائن بود در هر صورت باو باید حقوق داد.

این ماده هم بهیچ وجه مربوط بهیچیک از این فرمایشانی که فرمودند نیست. بالاخره در نتیجه انحلال عدلیه يك عده اشخاصی بدون مقدمه بیکار شده اند وزارت عدلیه

در نظر داشته است که از اول سال جدید عدلیه مرکز را و بعد از چندی عدلیه ولایات را باز و دائر کنند و يك تشکیلاتی هم در نظر گرفته است که بدهد در این مدت یعنی مدت بین انحلال و آن موقعی که عدلیه باز شود يك عده قاضی محکوم میشوند و يك عده هم بیکار و بدبمی است که در این بی تکلیفی حقا باید با اشخاص حقوق داد و حالا ایشان بموجب این ماده از مجلس اجازه میگیرند که از تاریخ انحلال عدلیه تا اول اسفند که موقع شروع بکار است (تا آخر اسفند) به يك عده اشخاصی که در نتیجه انحلال عدلیه بیکار شده اند حقوق داده شود. البته اگر آقای کازرونی مخالفند که حقوق بان اشخاص داده شود آن يك امری است خوبست صریحاً بفرمایند تا جواب داده شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول را این نوع پیشنهاد میکنم - ماده اول - بوزارت عدلیه اجازه داده میشود حقوق کلیه اجزاء و اعضاء وزارت عدلیه اعم از آنها که در مرکز مشغول خدمت بوده اند یا در ولایات تا آخر اسفند ماه ۱۳۰۵ بپردازد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مفصلاً عرایض خودم را عرض کرده ام. و جوانی هم که آقای وزیر فرمودند تصدیق کردند منتها فرمودند برای تأکید است. ولی بنده عرض میکنم که ما بهیچ وجه محتاج بتأکید در اینجا نیستیم و در این قانون که میگذرانیم نباید متذکر شویم که کی منتظر خدمت است و کی نیست. این کار در واقع با خود وزارت عدلیه است زیرا او مسئول اینکار است. این مثل این است که ما يك قانونی بگذرانیم که وزیر عدلیه چه کسی

را مسؤول فلان خدمت بدانند یا ندانند. این از حدود ما خارج است و با خود قوه مجریه است. یکی هم مسئله انحلال است که ربطی بمانندارد ما نظرمین در این ماده این است که بانهایی که مشغول خدمت بوده اند چه در مرکز و چه در ولایات این حقوق داده شود. نظر خود وزیر عدلیه هم همین است و نظر کمیسیون بودجه هم همین بوده است که مطابق این نظری که آقای وزیر عدلیه دارند این حقوق انتظار خدمت بان اشخاص داده شود. از این جهت بنده همین مسئله را اصلاح و پیشنهاد کرده دیگر بسته بنظر آقایان است وزیر عدلیه - آقای وزیر عدلیه يك توضیحاتی در این ماده دادند که خود نماینده محترم تصدیق میفرمایند که يك قسمتش اقباع کننده بود. بنده هم بطور اختصار می خواهم خاطر ایشان را متوجه کنم که آن قسمت انحلال هم آنطوریکه گفته شد حکایت است از يك تاریخ. و بهترین وسیله و طریق برای رسیدن بمقصود همان ذکر (انحلال) بود که در ماده هم ذکر شده است.

و اما قضیه منتظرین خدمت گسبان میکنم يك سوء تفاهم و اشتباهی تولید شده است. میفرمایند منتظرین خدمت را وزیر معین میکنند در صورتیکه قانون معین میکند. قانون استفاده يك شرایطی را معین کرده که هر وقت آن شرایط موجود شد يك مستخدمی منتظر خدمت محسوب و شناخته خواهد شد. وزراء و قوه مجریه همان طور که فرمودند تطبیق کنند آن اصول با مصادیق هستند و البته آقای آقا سید یعقوب تصدیق میفرمایند که ما نمی خواهیم حقوق خودمان را از دست بدهیم و نمی توانیم آقایان و کلاء را دعوت کنیم که بحقوق قوه مجریه تجاوزی نکنند. همان طوری که ذکر شد قانون تشخیص يك صفائی را برای منتظر خدمت شدن داده است. در این صورت چه در این ماده ذکر بشود یا نشود. اشخاصی که دارای آن صفات باشند منتظر خدمت شناخته خواهند شد.

اگر این جا احتیاطی از طرف وزیر عدلیه بعمل آمده است و از طرف وزارت عدلیه هم که دهند این لایحه بوده موافقتی با این نظر شده برای این بوده است که مبادا در اذهان و به در مقامی که يك قدری خرده گیری زیاد است مناسبت انحلالی که پیش آمده يك سوء تعبیراتی بعمل آید. و همچو تعبیر شود که انحلال یعنی انفصال. در صورتیکه انفصال پس از محاکمه باید بعمل آید. و البته آنهایی که محاکمه میشوند و محکوم هم میشوند بموجب همان قانونی که تشخیص صفت انتظار خدمت را داده دیگر منتظر خدمت محسوب نخواهند بود بلکه محکومند. برای این قبیل احتیاطات این مسئله در ماده ذکر شده است و بنده این گونه اصرار را برای حذف این عبارت ضروری نمیدانم.

رئیس - آقای خبر چه میفرمایند؟

خبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

آقا سید یعقوب. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده يك پس از لفظ محسوب نوشته شود و حقوق انتظار خدمت بترتیب قدمت خدمت دریافت خواهند کرد.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این لایحه موافقم ولی در موادش بعضی عرایض داشتم که فرصت نشد عرض کنم و مقصود از این پیشنهاد این بود که نه تنها از آقای وزیر عدلیه بلکه از هیئت دولت يك توضیحی راجع بمنتظرین خدمت نخواهم تارفع اشکال بنده بشود. قانون استخدام تصریح میکند که هر وزارتخانه بیشتر از صدی پنج نباید

منتظر خدمت داشته باشد تا امروز همچو معمول بوده که به صد پنج از اعضاء حقوق منتظر خدمت میدادند آنهم بنیل رؤسای وزارتخانهها بود. بیک عده میدادند و بکعده هم سرگردان می ماندند تا تشکیل این کابینه اخیر معمول بود که اگر بیک منتظر خدمتی از بیک وزارتخانه بیک وزارتخانه دیگر تبدیل میشد عوض میدادند مثلاً از بیک وزارتخانه برای وزارتخانه دیگر مستخدمی میفرستادند ولی عوض میگرفتند. بطوریکه مجموعاً عده منتظرین خدمت وزارتخانهها از حدود صدی پنج تجاوز نکند و اخیراً معمول شده است که بعضی از وزارتخانهها از وزارتخانههای دیگر مستخدمین را جلب میکنند و مستخدمین خود میافزایند و این طبیعی است که در این صورت از منتظرین خدمت بیک وزارتخانه کم میشود و بر منتظرین خدمت وزارتخانه دیگر میافزاید و بالاخره این مسئله برای منتظرین خدمت اسباب اشکال میشود. من باب مثال عرض میکنم وزارت داخله از پست و تلگراف مستخدم میآورد و بدیهی است آن پستی که در وزارت پست و تلگراف خالی میشود دیگر حقوق نخواهد داشت و این آدم منتظر خدمت محسوب میشود. این مسئله عده منتظرین خدمت وزارتخانهها را از صد پنج بصد ده تجاوز میدهد. حالا بنده خواستم بدانم برای این مسئله چه فکری کرده اند. وقتی که بنا شود از خارج بیک عده مستخدم برای وزارت عدلیه جلب کنند بدیهی است که بیک عده زیادی بیکار خواهند شد و قبل از انحلال منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج اضافه بود و حالا هم که عده زیادی منتظر خدمت خواهند شد بدیهی است که عده منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج بصد ده بلکه صد پانزده خواهد رسید. در موقع تقسیم حقوق بنده می خواهم بدانم آقای وزیر چه ترتیبی را در نظر گرفته اند. کی حقوق میگیرند و کی محروم خواهد بود؟ خوب است این مسئله را برای بنده توضیح بدهند تا بنده اگر قانع شدم پیشنهاد خودم را پس بگیرم.

وزیر عدلیه - بطوریکه خود نماینده محترم اظهار

فرمودند مقصودشان این بود که طرز و رویه دولت در تعیین حقوق منتظرین خدمت چطور است؟ تا با امروز بیک ترتیب کلی در تمام وزارت خانهها که همه جا بیک نواخت باشد نبوده و البته باید بیک ترتیب کلی داده شود. تا به حال معمول این بوده (چون عده منتظرین خدمت بموجب قانون نباید از صد پنج تجاوز کنند) بعضی وزارتخانهها آمده اند و در بیک ماه بیک عده از منتظرین خدمت خودشان را صورت داده اند که آنها حقوق داده شود. و در ماه دیگر حقوق بیک عده دیگر داده اند باین ترتیب که همه حقوق رسیده باشد. بعضی وزارتخانههای دیگر آمده اند و بیک ترتیبی بین منتظرین خدمتشان داده اند که حقوق بین همه تقسیم شود. در هر حال به عقیده بنده بیک ترتیبی مرتبی تا کنون در کار نبود. بنده وقتی که به وزارت عدلیه رفتم برای اینکه جای هیچ صحبت و حرفی باقی نماند بیک اصلی اتخاذ کردم گرچه نمی خواهم بگویم بهترین اصل است ولی در هر حال بیک اصلی بود که خودم اتخاذ کرده و آن این بود که به بیند منتظرین خدمتی که قدمت و مدت خدمتشان زیاده تر است نمانند بانهما حقوق داده شود و بهمین ترتیب هم چهار ماه حقوق انتظار خدمت به منتظرین خدمت داده شد چون سه چهار ماه عقب افتاده بود که صورت نداده بودند (چون عدلیه تا قبل از انحلال هفتاد و سه نفر منتظر خدمت داشت) در صورتی که تا میزان صد پنجی که قانون معین کرده بیشتر از سی و دو نفر حق نداشتند حقوق بگیرند و با آن سی و دو نفر دیگر بنده از روی همین اصل رفتار کرده ام. حالا بنده نمی خواهم بگویم که این اصل بیک اصل مسلمی بوده ولی در هر حال مطابق عقیده خودم خوب بوده و تا وقتی که بیک دلیلی بر خلاف آن ظاهر نشود این ترتیب به عقیده بنده بهترین اصلها است. ولی در هر صورت باید بیک ترتیبی برای منتظرین خدمت معین شود بنا بر این بنده تصور میکنم بهتر این است که آقایان بفرمایند و این پیشنهاد خودشان

را پس بگیرند و همین مطرح شدن این قضیه در این جا و مذاکراتی که شد بیک تذکری بود و این مسئله در هیئت دولت مطرح خواهد شد و بیک قرار کلی برای کلیه منتظرین خدمت داده خواهد شد. ولی حالا بنده بیایم بیک اصلی را قبول کنم آنوقت سایر رفقهای بنده و سایر وزارت خانهها بیک ترتیب دیگر را اختیار کنند این چندان مناسب نیست بنده در هر حال این فرمایشات را بعنوان تذکری بدوالت تلقی میکنم تا مسئله در هیئت دولت مطرح شده و بیک قرار قطعی راجع بکلیه منتظرین خدمت داده شود

عدل - بنده توضیحی دارم
رئیس - اگر بخواهید پیشنهادتان را مسترد کنید می توانید.

عدل - بنده همین قدر عرض و استدعا میکنم که به کمیسیون قانون استخدام تذکر بدهند که برای منتظرین خدمت بیک ترتیب کلی در نظر بگیرند
(صدای زنک رئیس)

عدل - استرداد میکنم.
رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای مستخدمین مزبور نوشته شود کلیه مستخدمین وزارت عدلیه.

رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - گرچه همانطوریکه آقایان وزراء فرمودند بنده هم معتقد نیستم که در این ماده عنوانی از منتظرین خدمت بشود زیرا حق انتظار خدمت بیک حقی است که در حدود قانون معین است ولی برای رفع شائبه راجع باینکه انحلال عدلیه را مستلزم انفصال نمانند بهتر این است که این قید بشود که تعارضی بین قسمت اول این ماده با قسمت آخرش نباشد. اگر فرض کنیم اشخاصی که مشغول کار بوده اند منتظرین خدمت محسوب میشوند

این مفهوم مخالفش این است که اشخاصی که در حین انحلال عدلیه مشغول خدمت نبوده اند منتظرین خدمت نیستند در صورتی که بهتر این است نوشته شود کلیه مستخدمین وزارت عدلیه. و این شامل تمام مستخدمین است که در حین انحلال عدلیه مشغول کار بوده اند یا نبوده اند.

وزیر عدلیه - مقرر فرمائید دودرد قرائت شود.
(مجدداً بشرح فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه - عرض میکنم این اشکالی ندارد برای اینکه بالاخره کسانی که در ابتدای ۱۳۰۶ موقعبیکه مجدداً بخدمت منصوب نشده اند و سابقه خدمت هم دارند جزء منتظرین خدمت محسوب خواهند بود در هر حال اشکالی ندارد بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر - بنده راجع بعبرت اشکالی ندارم و الا اصل موضوع بیک موضوع صحیحی است و مقصود هم همین است که کلیه مستخدمین وزارت عدلیه یعنی مستخدمین قانونی آنهاست که سابقه خدمت داشته اند و در حقیقت مستخدم قانونی وزارت عدلیه بوده اند چون قانون استخدام عدلیه موقتاً تعطیل شده است باید بموجب بیک فراز و جمله علیحدده حقوق آنها تأمین شود از این جهت این جمله را صلاح دانسته اند و در ماده اضافه کرده اند. مقصود هم کلیه مستخدمین قانونی وزارت عدلیه بوده است هر تصریحی هم بخواهند بفرمایند بنده کان نمیکم کمیسیون مخالف باشد و بنده هم قبول میکنم

وزیر مالیه - مقصود نماینده محترم البته خیلی صحیح است ولی اگر باین ترتیب نوشته شود ممکن است سوء تفاهاتی تولید کند و اگر موافقت بفرمایند بهتر این است این جمله را در سطر دوم ماده در موقعی که گفته میشود (حقوق اشخاصی را که در موقع انحلال تشکیلات وزارت عدلیه مشغول کار بوده اند) بگنجانند یعنی این جمله را که صلاح میدانند بجای جمله (مشغول

کار بوده اند) بگذارند بهتر است که آنوقت جمله مستخدمین مزبور که عطف بان قسمت میشود نظر آقای را تأمین میکند.

رئیس - بالاخره قرائت میشود و رأی میگیریم.

دستی - بنده مخالفم.

رئیس - عضو کمیسیون هستید.

دستی - بله عضو کمیسیون بودجه هستم.

رئیس - بفرمائید.

دستی - بنده تصور میکنم که همین ماده هیچ شکلی ندارد برای اینکه يك عده در عدلیه مشغول کار بوده اند و تا آخر اسفند ماه حقوق میگیرند. يك عده هم سابقاً منتظر خدمت بوده اند آنها هم بالطبع منتظر خدمت محسوبند. اثبات شیء نفي ما عدا نمیکند و بنده تصور میکنم عبارت خود ماده بهتر است و مقصود آقای شریعت زاده را هم تأمین میکنند.

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم با توضیحی که داده شده است و با اینکه در اصل قضیه هیچ اختلافی نیست تغییر عبارت ضرورت ندارد زیرا مقصود آقای شریعت زاده این است که اشخاصی که در موقع انحلال عدلیه منتظر خدمت بوده اند حقوق آنها از بین نرود و این مسئله هم خیلی واضح است و با توضیحی هم که بنده میدهم ایشان مطمئن باشند که نظریه شان تأمین خواهد شد.

شریعت زاده - با این توضیحی که دادند بنده مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از عبارت تاریخ انحلال در بین الهالاین مزید شود ۱۳۰۵

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اگرچه مطلب خیلی روشن است

ولی چون قبل از این انحلال انحلال های دیگری هم بوده است و بنده مخصوصاً در نظر دارم که در انحلال قبل از این يك دعاوی در کار بود برای اینکه سوء تفاهم نشود اولاً بهتر این بود که سرخطاً نوشته میشد در چه تاریخ ولی چون تاریخ انحلال عدلیه مرکز با ولایات متفاوت بود از این جهت بنده ذکر سنه ۱۳۰۵ را در این جلازه میدانم تا با انحلال های سابق اشتباه نشود.

وزیر عدلیه - صحیح است.

خیر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - آقای زعیم پیشنهاد کرده اند که قسمت آخر از ماده حذف شود. آقای زعیم.

زعیم - بنده برای اینکه زیاد حرف نزنم پشت تریبون نیامده ام بلکه برای اینکه با آقای وزیر عدلیه مواجه بشوم چون کمال ارادت را خدمتشان دارم. ایشان در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که اگر این لایحه نگذرد رأی سابق مجلس بمنزله يك تعارف محبت آمیزی بوده است که با ایشان شده. بنده از خودشان انصاف میخواهم آیا این عبارت که: «مستخدمین مزبور از ابتدای ۱۳۰۶ ناموقعی که مجدداً بخدمت منصوب شوند منتظر خدمتند» يك تعارفی نیست که با اعضاء قدیمی عدلیه میشود اولاً نظر ایشان از این ماده این بوده که تأمین حال اعضاء عدلیه بشود. اما اینکه منتظر خدمت حساب میشوند ابدأ از حال آنها تأمین نمیکند. ثانیاً قانون بودجه که امروز در دست است اجازه نمیدهد که يك وزارتخانه بیشتر از صد پنج منتظر خدمت داشته باشد همانطوریکه آقای عدل اظهار کردند قانون استخدام اجازه نمیدهد که عده منتظرین خدمت بیش از صد پنج باشد ولی قانون بودجه این اجازه را هیچ نمی دهد و میسیون امریکائی می گویند بیش از صدی پنج به منتظرین خدمت حقوق دادن اولاً در قوه و در اختیار مالی ما نیست که بدهیم و نداریم در صورتیکه بر اثر این انحلال و

و استخدام اشخاص جدید قطعاً منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صدی پنج تجاوز خواهد کرد. دیگر اینکه معلوم نیست مستخدم از روی چه اشئی باید حقوق بگیرد آیا از روی اصل سابق است که خودشان نمی پسندند یا اصل زیادتر و جدیدی که در نظر گرفته اند؟ حالا بنده وارد اساس قضیه نمیشوم و عرض نمی کنم این اشخاصی که بکار دعوت میشوند اگر فی مصرف و لایحه هستند چرا منتظر خدمتشان می کنند. شد که اختیارات داده دارید و می توانید این ها را پشت در بگذارید ولی اینکه حالا می خواهید این اشخاص را منتظر خدمت بکنید در واقع مثل این است گویا میخواهید به آنها تعارف کنید.

از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام این قسمت از ماده حذف شود آنوقت راجع می شود بحقوق تا اول امسال یعنی تا اول فروردین و بهتر این است برای همین حال کسی که بکار دعوت میشوند يك فکر اساسی تر و محکم تر بفرمائید. امشب هم که همه این لایحه میگذرد و خوبست این مسئله را در طی يك لایحه دیگری در نظر بگیرید و به مجلس بیاورید تا تصویب شود. مقصود این است يك چیز مفیدی باشد نه تعارف.

وزیر مالیه - چون يك قسمت از اظهارات نموده محترم مربوط به جنبه های مالی قضیه بود از این جهت بنده جواب آقای ارباب عرض میکنم که این چیزیکه در این لایحه نوشته شده تعارف نیست و آقای ارباب متذکر باشند که مطابق رائی که مجلس داده کلیه قوانین سابق (نه کلیه) بلکه يك قسمت از قوانین که راجع به عدلیه است عاجالاً در حال بلاتکلیفی و وقفه است من جمله قانون استخدام قضا است و مالیه دیگر نمی تواند مطابق يك قانون که در حال توقیف است تشخیص انتظار خدمت یا غیر انتظار خدمت را بدهد پس این تعارف نیست بلکه عین موافقت است برای تعیین تکلیف آن اشخاص -

این مسئله را نباید آفا خلاص کنند و پرداخت حقوق که میفرمایند از صدی پنج بیشتر میشود و وقتی که منتظرین خدمت از صد پنج بیشتر شد دیگر حقوق آنها نمیرسد این يك چیز ندره است. تمام وزارت خانه ها منتظرین خدمتشان لان وزارت خارجه را ملاحظه کنید. منتظرین خدمتشان خیلی از صد پنج بیشتر است و همین جهت حقوق کافی به منتظرین خدمت نمیرسد وزارت خنیه ی دیگر لان عده منتظرین خدمتشان از صد پنج زیادتر است پس اگر فردا منتظرین خدمت وزارت عدلیه از صد پنج متجاوز شد (چنانچه در روز عده منتظرین خدمت از صد پنج متجاوز بود) و حقوقشان بیش از حد است این را میشود گفت که تعارف است. خیر تعارف نیست. و این در واقع يك تعارف است که امروز بواسطه در حال وقفه بودن قانون استخدام قضا و بلا تکلیف بودن آنها میشود. اما راجع به این مسئله که فرمودند این مسئله هم گمان میکنم محتاج تذکر نیست. این مطابق قوانینی که برای انتظار خدمت هست. اصل انتظار خدمت از روی آخرین حقوقی است که مستخدمین دریافت کرده اند اگر بنا شد از حالا به بعد بت اشخاص جدیدی استخدام شوند و مطابق ترتیبات جدید حقوق زیادتری بگیرند این ربطی آنها که سابق مشغول خدمت بوده اند ندارد. و اصل حقوق منتظرین خدمت از روی آخرین حقوقی خواهد بود که در موقع اشتغال بخدمت دریافت میکنند. این مسئله واضح و محتاج تذکر نیست. اما اینکه دو سه قسمت فرمایشات آقای ارباب اشاره باین بود که چرا اینها منتظر خدمت میشوند گمان نمی کنم این يك اعتراضی باشد که وقتی که يك ادارائی منحل شد و يك مستخدمینی بیکار شدند چرا وزیر آن وزارتخانه یا رئیس آن اداره بآن اشخاص حقوق انتظار خدمت میدهد. این آقا يك مسئله خیلی قانونی است. وزیر عدلیه اختیاراتی دارند برای اجرای قانون و عمل در حدود قانون و باقی ماندن در حدود قانون

قسمت . رأی گرفته میشود قبلاً بماده اول از صدر ماده تا مستخدمین مزبور آقایانیکه موافقند قیام فرمایند .
(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد . رأی میگیریم به قسمت دوم ماده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . رأی میگیریم به مجموع هر دو قسمت . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . پیشنهاد ختم جلسه شده است (بعضی از نمایندگان صحیح است) جلسه آتیه فردا شب دو ساعت و ربع از شب گذشته . دستور هم همین دستور امشب .

(مجلس هفت ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)

از حدود قانون که نباید خارج شوند البته اگر وزیر عدلیه بخواهد تشخیص خوب و بد و تشخیص سوء سابقه یا حسن سابقه را بدهد از مجرای قانون یعنی بوسیله محاکمه باید باین عمل مبادرت کند و در نتیجه محاکمه اگر کسی محکوم شد دیگر نباید منتظر خدمت محسوب شود ولی اگر این مقدمه بعمل نیامده باشد مردم حق دارند بگویند که مطابق قانون باید با ما معامله کنید . بنا بر این بنده این ماده را بسیار با مطالعه نوشته شده میدانم و گمان نمیکنم این معایبی که فرض میفرمائید هیچ در این ماده وجود داشته باشد .

رئیس -- آقای مخبر چه میفرمائید .

مخبر -- بسته به نظر مجلس است .

رئیس -- پیشنهاد این است که عبارت (مستخدمین مزبور به بعد) حذف شود . ماده تجزیه میشود بدو

www.iran-archival.com